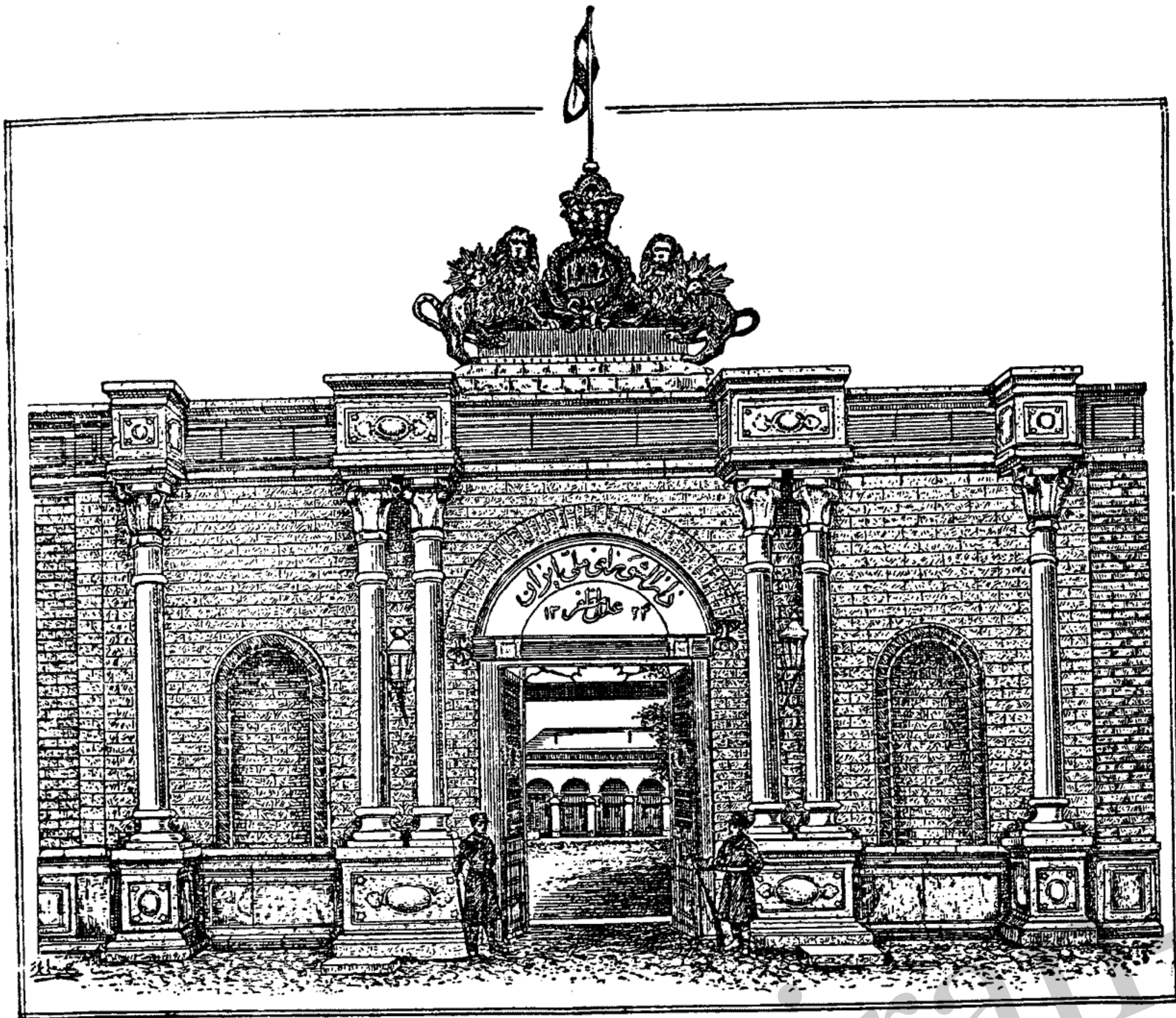


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۹۶</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۶۱</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۲۸ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۵ رجب المرجب ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ايران ساليانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قرآن</p>

فهرست مندرجات



ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقایان - مدرس شیروانی - دهستانی	۲۲۵۱	۲۲۵۲
۲	سؤال آقای کازرونی از آقای رئیس صحیه راجع به صحیه بنادر جنوب و جواب آقای رئیس صحیه	۲۲۵۲	۲۲۵۳
۳	سؤال آقای اعتبار از آقای رئیس صحیه راجع به صحیه بروجرد ولرستان و جواب آقای رئیس صحیه	۲۲۵۳	۲۲۵۵
۴	بقیه شور نسبت بخر کیمسیون بودجه راجع با استخدام متخصصین مالی	۲۲۵۵	۲۲۷۹

مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۲۸ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۵ رجب المرجب ۱۳۴۶

جلسه ۱۹۶

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس بوم سه شنبه ۲۶ دی را آقای نگهبان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان: مرضی قلی خان بیات - آقا سید کاظم زدی - خطیبی - دشتی - میرزا هاشم آشتیانی - بهبهانی بهار - بنی سلیمان - عدل - میرزا ابراهیم آشتیانی

میرزا حسن خان وثوق -

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان؛ حاج علی اکبر امین - محمد ولی خان اسدی
ذوالقدر - امام جمعه شیراز - اعظمی - نظام مافی -
آقا علی زارع - حاج شیخ بیات - حاج حسن آقاملک -
حاج غلامحسین ملک -

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان؛ عراقی - بالیزی - میرزا عبدالله خان وثوق

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان؛ جلالی - قوام شیرازی - عباس میرزا - مدرس
رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - قبل از دستور

رئیس - آقای روحی

روحی - قبل از دستور

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - قبل از دستور

رئیس - صورت مجلس ابرادی ندارد؟

(گفته شد خبر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. چند فقره خبر

از کمیسیون عرایض رسیده است قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

آقای مدرس نماینده محترم بجهت اشتغال به امر مهمی
تقاضا کرده اند که در یکماه دی نيمساعت تأخیر حضور در
اول جلسات را با اجازه باشند کمیسیون با تقاضای نماینده
محترم موافقت نموده و ایملک خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده کمال موافقت را دارم با این مرخصی

ولیکن میخواهم عرض کنم که کمیسیون عرایض نيمساعت
مرخصی را نباید بمجلس بیاورد...

یکنفر از نمایندگان - راجع به یکماه است

کازرونی - بلی

رئیس - بفرمائید

کازرونی - هرچند بنده احتمال میدهم که آقای رئیس
محترم صحیه در جواب بنده اظهار بفرمایند که قدرت
مالی بمن اجازه نمیداده است که اقدام کنم و این
اظهاراتشان مانع نیست از اینکه بنده مطالب خودم را
اظهار کنم و آن چیزی را که میخواهم تقاضا کنم عرض

کنم بنده مدتها خدمتشان بوده ام و مذاکره کرده ام و
میدانم که ایشان سرحدات و بنادر را که دروازه ایاب
وذهاب امراض است بیش از تمام مملکت اهمیت میداده اند
حالا میدانم که چرا دولت نسبت به بنادر توجهی ندارد
بنده از آقای رئیس صحیه هیچوقت انتظار ندارم که
به ربه سابقین رفتار کنند و البته نخواهند هم کرد.

آقایان میدانند آن بلائی که در بنادر اتفاق افتاد و مخصوصاً
در قسمت میناب شاید رو بهمرفته ده هزار نفر مردم
تلف شدند و تخم و نتاج این مرض هم در آنجا بقی ماند
برای يك مواقع دیگر و در هر صورت انواع امراض در
بنادر مخصوصاً در بندر عباس و میناب وجوع دارد.

موضوع قرنطینه هم یکی از موضوعات مهمی است
که دولت ولو به جهت حفظ استقلال خودش هم
که باشد نباید حق بدهد که دیگران دخالت کنند
این فوق العاده مهم است بدبختانه می بینم که دولت هیچ
آثاری از این حیث ندارد نه مریض دارد... نه
طبيب دارد

جلالی - صحیح است

بعضی از نمایندگان - مریض که دارد

کازرونی - بله همین چیزهاست صحیح است ولی بقی
چیزهاست صحیح نیست. همینها اسباب تأسف است تمام دردها
روی همین نکته است. هر وقت اینجا اصلاح شد سایر جاهها هم صلاح
میشود. مرکز ما اینجا است و البته همین است که گفتم
مرکز اینجا است. اینجا بایستی علاقه مند شوند. تا
اینجا علاقه مند نیستند هیچ چیز درست نخواهد شد

کازرونی - بنده موافقم لیکن خواستم استدعا
کنم يك قانونی از مجلس بگذارید و حساب کنید به
بینید از اول تا آخر دوره رو بهمرفته چند ساعت
صرف تصویب این اجازه میشود ضرر را هر اندازه
جلوش را بگیریم نفع است يك قانونی از مجلس بگذارید
که دیگر این را زنها به مجلس نیاید و اعضاء کمیسیون
خودشان اجازه بدهند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده با هر نوع مرخصی مخالفم و نسبت با آقای
شیروان هم مخالف بودم اما یواش روی میزدم آقایان منشیها
ملفت نشدند. حالا آقای دهستانی اجازه خواسته اند.
بنده حقیقه حیفم میآید که ایشان از مجلس بروند باید
ایشان تشریف داشته باشند و ما با هم باشیم و به این
ملاحظه و با مرخصی ایشان مخالفم

رئیس - آقای زوار (مخبر کمیسیون) - نماینده محترم

میدانند که بنده هم راجع باین مرخصیها مخالفم و با ایشان
همیشه همصدا بوده ام ولی همانطور که در جلسه گذشته
هم عرض کردم چه باید کرد؟ يك ماده در نظامنامه
هست که کمیسیون عرایض مجبور است عذر موجه را
قبول کند و اجازه بدهد بعلاوه آقای دهستانی دو دوره است
در مجلس هستند بنده هیچ وقت ندیده ام که ایشان اجازه
مرخصی بخواهند....

آقا سید یعقوب - خیلی

مخبر - ما اگر بخواهیم راحت بشویم باید آن ماده
نظامنامه را از بین ببریم و الا مخالفت ماها فایده
ندارد

رئیس - آقایانیکه مفاد خبر کمیسیون عرایض را

را تصویب میکند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای کازرونی از آقای رئیس

صحیه سؤالی داشتید؟

روحی - یکماه یا يك سال فرق نمیکند کمیسیون
عرایض برای نيمساعت مطابق نظامنامه حق دارد اجازه
بدهد و محتاج به آوردن مجلس نیست.

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه موافقت قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر

(مضمون ذیل قرائت شد)

نماینده محترم آقای شیروانی بعلمت عدم فراهمی وسائل
تقلیه از سر حد اجازه ده روز مرخصی از تاریخ انقضای
مرخصی سابقشان نموده کمیسیون عذر ایشان را موجه
دانسته با مرخصی ایشان موافقت مینماید

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقایانیکه با مرخصی آقای شیروانی موافقت
قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر

(بشرح آتی خوانده شد)

آقای دهستانی نماینده محترم بواسطه علت مزاج از
اول اسفندچهل روزه مرخصی تقاضا نموده اند کمیسیون
پس از مذاقه و مطالعه در مرخصی مزبور از تاریخ
اول اسفند ماه یکماه با مرخصی ایشان موافقت نموده خبر
آنرا تقدیم مجلس مقدس مینماید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مخالف بودم لیکن برای
اینکه از نطق قبل از دستورشان راحت شوم موافقت
می کنم.

رئیس - آقای کازرونی

خلاصه باید عرض کنم که ما بایستی در آنجا طبیب و دکتر خیلی مهم داشته باشیم تا مردم چشم داشت نداشتند باشند که وقتی يك كشتی وارد میشود دکترهای اجنبی آنها را سرپرستی بکنند و بالاخره باید دولت این نقاط را کاملاً سرپرستی کنند که مردم امیدوار شوند. هم از نقطه نظر سیاست و هم از نظر اینکه امراض از خارج وارد ایران نشود آن هم در بنادر جنوب که همسایه هندوستان و مرکز تمام امراض است میخواستیم سؤال کنیم که آقای رئیس صبحیه با آن جدیدی که در عملیات خودشان دارند چه اقدامی راجع به بنادر مخصوصاً در قسمت میناب و بندر عباس و محقره فرموده اند این عرایض بنده است

رئیس صبحیه - در جواب فرمایشات آقای کازرونی نماینده محترم عرض میکنم بنده از بدو تصدی خودم در صبحیه بیشتر نظریاتم معطوف به سواحل خلیج فارس بوده مخصوصاً خوزستان که از نقطه نظر مجاورت با هندوستان و بین النهرین غالباً امراض اییدی از قبیل وبا و طاعون و این قبیل امراض بروز پیدا میکنند و باید قویاً تجهیزات کافی بکنیم که جلوی امراض اییدی گرفته شود و حتی المقدور هم هرچه توانسته ایم مضایقه و کوتاهی نکرده ایم بنده از بدو تصدی خودم در صبحیه اولین طبائی را که استخدام کرده ام به صفحات جنوب ایران و خوزستان فرستادم و مخصوصاً از نقطه نظر مجاورت با هندوستان و بین النهرین و خط آهن اسکندر آباد که بطرف دزداب می آید که همیشه ابران طرف حمله و هجوم مرض اییدی بوده البته تصدیق میفرمائید که بنده فوق کوشش را کرده ام، همین امسال تابستان گذشته خاطر دارم يك روزی آقای کازرونی تشریف آوردند پیش بنده و فرمودند که من تمنا میکنم به اسرع وقت شما به فریاد اهالی بندر عباس برسید، کلرا دارد در آنجا قتل عام میکند بنده بهشان عرض کردم که شما در اینجا بنشینید تا من صبحیه بندرعباس را نامین کنم

- ۴ -

اند و بهیچوجه حق ندارند مداخله کنند و اگر هم شاید يك طبیب کلیمی مداخله کند فوراً مورد مؤاخذه مأمورین دولتی خواهد شد تقریباً درسه سال قبل یکنفر طبیب از عراق به بروجرد رفت صبحیه سابق او را بریاست صبحیه آنجا مأمور کرد ولی البته ریاست افتخاری و بدون حقوق. مردم هم چون فاقد طبیب بودند این مسئله را استقبال کردند. آقای رئیس صبحیه هم پنججاه تومان حقوق زایش قائل شدند و حکم برایش فرستادند و الان یکسال است که این حقوق بآن شخص نرسیده بنده نظرم این نبود که نسبت بطیب صبحیه آنجا تعریفی شده باشد این نظرم نبود. البته یکنفر طبیب هم نمیتواند که صبحیه بروجرد ولرستان و جاپلق و بربرود را با ماهی پنججاه تومان اداره کند بنده عقیده ام این است که آقای رئیس صبحیه حالا که اعتباراتشان تکافؤ نمیکند قضایا را نمی حل کنند بنده البته نمیخواهم عرض کنم که بودجه صبحیه و رؤسای مرخصخانه و صبحیه طهران زیاد است شاید خیلی هم کم باشد ولی اگر تناسب را رعایت کنیم زیاد است بنده عقیده ام این است که آقای رئیس صبحیه از همین اعتباراتی که موجود است يك ترتیبی قائل شوند و مخصوصاً این صفحه را که بنده عرض کردم و همه آقایان بوضعیت بد بختی اهالی آن صفحه سوابق کامل را دارند توجه مخصوص بکنند که چند نفر طبیب برای آن صفحه در نظر بگیرند و برای اینکه تا حدی از نظر ایشان مطلع شده باشم این سؤال را کردم که به بینم این غفلتی که نسبت به آن صفحه شده است میل دارند جبران کنند یا نه؟

رئیس صبحیه - اولاً از اظهار قدردانی که آقای نماینده محترم فرمودند تشکر میکنم ثانیاً يك قسمت از فرمایشاتشان را بنده تصدیق دارم و يك قسمتش را تصدیق ندارم آن قسمتی که تصدیق دارم این است که نام بروجرد فعلاً با دو نفر طبیب اداره میشود در صورتی که اقلاً پنججاه نفر طبیب لازم دارد. مرخصخانه میخواهد

ساناتوریم میخواهد. مرخصخانه امراض زهروری می خواهد. چیزهای دیگر میخواهد و با این مبلغ قلیل بودجه صبحیه کل مملکتی تصدیق بفرمائید که مملکت بر عرض و طول ایران را چطور می شود اداره کرد. بنده تصور و تقصیری نکرده ام ممکن است معذرت بخواهم البته آنجا مرخصخانه میخواهد، دواساز و دواخانه میخواهد بالاخره بهر اندازه که مجلس شورای ملی با صبحیه کل مملکتی مساعدت بفرمایند و هر قدر هیئت دولت با من موافقت کنند و بمن پول بدهند بند اطمینان میدهم بشما که من قادرم صبحیه شما را اداره کنم ولی چکنم که دست و پای مرا بسته اند و بمن شلاق میزنند و میگویند بدو. اما راجع بدکتر عطائی که فعلاً در بروجرد نماینده صبحیه است عرض میکنم که ایشان یکی از نمایندگان لایق صبحیه هستند و صبحیه وجود او را مفتهم میشمارد و خیلی هم متأسف است از اینکه حقوق او تعویق افتاده و علت تعویق حقوق او هم بواسطه بطوء جریانی است که از سابق بوده است و همین بطوء جریان است که نمیگذارد ما موفق بشویم و آنچه را که میخواهیم عاجلاً انجام مثلاً کمترت این شخص برود به محل امضا شود و از آنجا بر گردانند و بعد بمؤسسه تقاعد برود و از آنجا باز يك جریاناتی را باید سیر کند و بالاخره اینها بواسطه همان جریاناتی است که از سابق معمول بوده و امیدوارم در آتیه جویانش خیلی سریع باشد تا بتوانیم زودتر حقوق طبیبی خود ما را برسانیم و بهر تقدیر برویم و اضافه اعتباری هم در بودجه ۱۳۰۷ صبحیه منظور شده است که در تحت نظر است و میخواهیم بودجه را تنظیم کنیم و بنده اطمینان میدهم به نماینده محترم که تقریباً بتوانم طبیب و دوا به آنجا بفرستم. يك قسمت از فرمایشاتشان هم راجع به جلوگیری از اطباء غیر مجاز بود. این برای این بوده است که قانونی وضع شده و از مجلس شورای ملی گذشته که کلیه طبائی که اجازه ندارند محروم از طبابت هستند و ما ناچار بایستی قانون را احترام کنیم دیگر در موضوع تناسب فرمودند

است حقیقه همانطور که آقای شیروانی مکرر فرموده اند قانون بلدیہ یک قانون حیاتی است بنده هم همین عقیده را دارم حقیقه فوق العاده مردم احتیاج به این قانون دارند و از آنطرف بعضی از جاها که مطابق قانون یک حقوقی دارند لا محاله آن قانون قانونی را بناها بدهیم که رفع احتیاجات خودشان را بکنند ولی حالا چون آقای وزیر مالیه تشریف آورده اند بنده مخالف نیستم که قانون بلدیہ در درجه دوم گذارده شود،

رئیس - ماده ۴۴ از لایحه متخصصین مالیه مطرح است (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۴۴ - هر مأمور و مستخدم صاحب جمعی که بر خلاف مدلول این قانون از تحویل عوائد وصولی خود بجزانه داری کلی استنکاف و یا مسامحه نماید از اخذ حقوق انتظار خدمت و وظیفه تقاعد که بر طبق قانون استخدام کشوری ذبح می شود محروم و مطابق قانون جزائی مملکت نیز مجازات خواهد شد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مخالفتی با این ماده ندارم و این ماده بسیار خوب است لکن مجازاتش خیلی کم است، بایستی مجازات خیلی شدید تر باشد و بایستی در ماده قید شود که از مشاغل دولتی محروم میشود ما اگر بخواهیم مجازات ها را بمسامحه بگذرانیم هیچوقت از این وضعیت و بد بختی نجات پیدا نمی کنیم و این سرفتها و اختلاساتی که میشود هیچوقت کشف نمیشود و وقتی هم که کشف شد او را میبرند بعدلیه و بعد از چند روز تبرئه اش میکنند و با این مجازات ها بنده گمان نمی کنم بشود جلو اختلاس را گرفت بلکه باید جزو ماده بشود که بکلی از مشاغل دولتی محروم خواهد شد

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع - آقا تقریباً مخالفتی فرمودند و فرمودند مجازات کم است آقا اگر این عقیده را دارند

ممکن است پیشنهاد بفرمایند چنانچه مجلس صلاح بداند تصویب میشود و انگهی در اینجا مجازات به اندازه لازم معین شده است و گمان می کنم مقصود آقا هم تأمین شده باشد

شیروانی. (مخبر کمیسیون بودجه) اولاً در ماده پیش بینی شده است که مجازات همانطوری که آقا مایل هستند بشوند برای اینکه مطابق مقررات مملکتی باید مجازات شوند و اینکه فرمودند مجازاتی تا بحال نشده است و در عدلیه تبرئه شدند عرض میکنم اینطور نیست سابق را چه عرض کنم ولی از آن روزیکه مجلس یک قانونی راجع به مختلسین اموال دولتی گذرانده است تا امروز آن عده اشخاص که متهم به اختلاس اموال دولتی بوده اند الان در تحت تعقیب و در محبس عدلیه هستند و شاید بکعده اشخاصی هم که سنک قانون مجازات را بسینه میزدند دارند از آنها حمایت میکنند و بالاخره الان عدلیه در نهایت شدت دارد آنها را تعیب میکند

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - عرض میکنم با این ماده البته مخالفت اصولی نمیشود کرد. ولی بنظر بنده مسامحه و استنکاف یا مستند به جهة اداری است که قسمت اول مجازات یعنی محرومیت از حق و وظیفه است یا مربوط است به جنبه و جنابیتی در آن صورت بایستی به عدلیه رجوع شود و بنا بر این باید تصریح شود که اگر جنبه و جنابیتی است آنوقت به محکمه جاز رجوع شود از این جهت که بنده این را تذکر دادم

رئیس - آقای زوار

زوار - عرض میکنم که تصور میکنم در ماده به اندازه کافی مجازات معین شده است و اینکه راجع به شدت مجازات مذاکره میشود بنده عقیده ام این است که مجازات شدید تر قتل است و وقتی که از یک مأموری

مستحق مجازات شد بطوریکه میفرمایند البته برای او مرگ است

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که عبارت ذیل به آخر ماده ۹ اضافه شود و ابداً از مشاغل دولتی محروم خواهد شد

رئیس - آقای فیروز آبادی

(حاضر نبودند)

پیشنهاد آقای بروجردی

این بنده پیشنهاد می کنم لفظ مسامحه به تقصیر مبدل شود

رئیس - آقای بروجردی

بروجردی - بنده چون دیدم لفظ مسامحه یک عمومی است دارد بطوری که یک جزئی تعللی قابل مجازات نیست باعث میشود که این مجازات در حق او بشود و این سزاوار نیست. در قانون سابق هم که بنده دیدم در آنجا هم لفظ تقصیر بود از اینجهت بنده پیشنهاد کردم که لفظ مسامحه بتقصیر تبدیل شود

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - عرض میکنم اگر ملاحظه بفرمائید آن کسیکه رئیس اداره است او خودش تشخیص میدهد اگر عمدی باشد این را دیگر نمیشود یک کسی باید تمیز بین عمد و سهو را بدهد او خودش ممیز خواهد بود اشکالی هم ندارد که پیشنهاد آقا قبول بشود ولی بالاخره خود آن شخص قضاوت خواهد کرد و بالاخره او که نمی آید عمدی را سهوی قلمداد کند.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند

قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

که در مریضخانه ها و طبای مرکز مخارجشان زیاد است بنده تصور میکنم که این مریضخانه ها بواسطه این بودجه صحیه دارد فوق العاده کم است و اگر ما بخواهیم تنها یک مریضخانه در سراسر مملکت داشته باشیم بایستی بودجه صحیه ما خیلی بیش از اینها باشد و البته بایستی در اسرع وقت مجلس شورای ملی و دولت کمک بفرمایند و آنطوریکه باید بنده خدمات خودم را انجام دهم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده در قسمت مریضخانه های طهران و اطباء طهران عرض نکردم عرض میکنم که نسبت را باید رعایت کرد حالا هم بنده عرض میکنم که در طهران بنده می توانم به آقای رئیس صحیه نشان بدهم که یک طبیبی سه چهار جا حقوق می گیرد این را بایستی یک حقوقش را جزو ولایات کرد در صورتیکه مرکز مریضخانه ها و مؤسسات صحی تا اندازه دارد. اطباء آزاد زیاد است و آنقدرها مردم در مضیقه نیستند ولی در بروجرد و لرستان اگر بکنفر احتیاج پیدا کنند باید به قضا و قدر واکذار کنند. اگر چنانچه نمکن داشته باشد بایستی بهمدان برود یا باید اینجا معالجه کند و چنانچه نمکن نداشته باشد حالش معلوم است و حالا هم بنده از این فرمایشی که فرمودند قانع میشوم که انشاء الله در بودجه ۱۳۰۷ که فرمودند برای قسمت جابلق و بربرود و لرستان یک توجهی بفرمایند

رئیس - آقای استرابادی پیشنهاد کرده اند لایحه بلدی

مطرح شود بفرمائید

معتضد استرابادی - بنده تصدیق میکنم که لایحه متخصصین مالی مهم است ولی در عین حال قانون بلدیہ هم مدخلیت نامه در احتیاجات مردم دارد و آن وقتی هم که بنده این پیشنهاد را کردم آقای وزیر مالیه تشریف نداشتند و عقیده ام این بود که لایحه بلدیہ جزو دستور شود. مادر طهران هستیم و یک بلدیة مختصری هم داریم ولی در سایر جاها بلدیہ نداریم و اگر هم داشته باشیم بلدیہ ناقصی

رئیس -- قابل توجه نشد پیشنهاد آقای عباس میرزا
(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میباید که در آخر ماده ۹ اضافه شود در صورتیکه حکمی از مافوق مأموری بحالت اجبار او را مستنکف نماید آمر آن حکم مشمول مجازات فوق می شود.

رئیس -- بفرمائید

عباس میرزا -- در اینجا کلیه صاحبان جمع را در يك ردیف نسبت بنحزانه دار معین کرده اند در صورتیکه ممکن است يك موقعی در اثر يك پیش آمدهائی یا فرس مازوری يك کسی که جزء است در مقابل يك صاحبجمع کل مجبور باشد باینکه از قانون نخلف کند در اینصورت آمر آن حکم باید مجازات شود باین جهت بنده این قسمت را اضافه کردم.

مخبر -- هر صاحبجمعی یعنی هر مستخدمی در حدود وظائف خودش مسؤول است و فرس مازوری هم واقع نمیشود بعلاوه خود آهم يك مسامحه ایست در تحت تأثیر فرس مازور واقع شود. او باید وظائف قانونی خودش را بموقع اجرا بگذارد و البته اگر ما فوق او يك عمل خلاف وظیفه کرد مافوق او مجازات میشود نه خود او و او محکوم احکام کتبی ما فوقش است و در اینصورت تقصیری متوجه او نیست.

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد، پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میباید این ماده حذف شود.

رئیس -- بفرمائید

آقا سید یعقوب -- آقایان اگر در نظر داشته باشند

این ماده را در قانون کنترات دکتر میلسپو هم نوشتند ولی اینجاده را وقتی در آنجا گذاردند که ما قانون مجازات باین مفصلی نداشتیم ما آمدیم يك قانون مخصوصی نوشتیم و در آنجا مجازاتش اشد است این در وقتی بود که ما موفق نشده بودیم که يك قانون مجازات عمومی برای مملکت بگذرانیم این بود که آن اشخاصی که متوجه بودند باین که يك قانون مجازاتی در مملکت بگذرد در هر جائی يك ماده مجازاتی می آورند من جمله مسئله خوردن مال دولت و نخلف مأمورین و صاحب جمعها را در قانون مجازات عمومی نوشتیم و مجازاتش هم اشد است ولی اینجا الان اختلاف میشود بین آن ماده و اینجا آنجا انفصال ابدی است این جا ندارد آنجا دارد که مجازاتش باید مضاعف باشد این جا ندارد این است که بنده عقیده دارم حذف شود. عرض کردم اینکه در آن قانون کنترات سابق ذکر کردیم برای این بود که قانون مجازات عمومی نداشتیم و در آنجا تمام جزئیات کاملاً منظور شده و دیگر در این جا محتاج نیست ذکر می کنیم

وزیر مالیه -- این نظر نمایند محترم از نقطه نظر کلی قانون گذاری شاید صحیح باشد ولیکن چون قانون ما تکمیل نشده از این جهت باید در هر موقعی ما يك قسمتی از آن را تکمیل کنیم اینجاده چنانچه ملاحظه میفرمائید اصل مطلب را عطف کرده است بقوانین جزائی مملکت از این نیت که مقرراتی که قانون مجازات عمومی است و با اشاره کردند شامل اشخاص هم بشود. اما يك نکته ایستکه در قانون مجازات عمومی نیست و آن حقوق انتظار خدمت است و مسئله وظیفه تقاعدی قانون دارد یعنی بموجب آن قانون هر کس که بیک مدارجی میرسد حق تقاعد دارد ولی در هیچ قانون بطور مجازات نوشته شده است که ممکن است این حقوق تقاعد را نداد حالا اگر چنانچه يك همچونخلانی کرده باشد آیا سزاوار است که این مستحق تقاضای حقوق انتظار خدمت باشد؟ خیر پس باید ما این را این جا بکنجانبیم

ولی در اصول مسئله عطف بهمان قانون مجازات عمومی است که فرمودید و آن مقررات شامل او خواهد بود و در این جا ضروری ندارد ذکر کنیم.

آقا سید یعقوب -- بنده استرداد میبکنم

زعیم -- بنده تأیید میبکنم همین پیشنهاد را

رئیس -- چه میفرمائید

زعیم -- عرض کردم بنده يك پیشنهادی کرده بودم

راجع بخذف و حالا توضیح آنرا میدهم

رئیس -- بفرمائید

زعیم -- بنده هم پیشنهاد حذف کردم ولی نه از نقطه نظری که آقای آقا سید یعقوب توضیح دادند و نمیدانم آقای وزیر مالیه هم توجه بفرمایند این جمله قوانینی است که ترجمه میشود و يك طرف این قانون آلمانی است در اینجا حالا صرف نظر از عبارتی که نوشته شده است هر کس مستنکف باشد حقوق انتظار خدمت بهش داده نمیشود.

مقصود این است که معزول میشود و بعد حقوق انتظار خدمت و کسور تقاعدش هم بهش داده نمیشود ولی این يك (ایده) و فکری در مخیله آن طرف یعنی آن مستخدم یا مستشار می آورد و باو همچو حالی میشود که در ایران يك اشخاص و يك مأمورینی دولت دارد که متصدی ضبط نقد و جنس هستند ولی در موقع تأدیبه اش مستنکف میشوند و حال آنکه همچو چیزی داد مملکتان نداریم تمام متصدیان جمع کسانی بوده اند که امتحان داده اند که در هر موقعی هر قانونی از مجلس گذشته است اعم از اینکه مطیع دکتر میلسپو باشند یا يك رئیس کل مالیه دیگری همه اطاعت کرده اند و این يك فکری وارد میکند مثل اینکه يك اشخاصی هستند که مستنکف شده اند در صورتیکه همچو چیزی سابقه ندارد و گمان نمیکند يك حکومتهای افرادی در مملکت ما وجود داشته باشد که بتوانند از مقررات قانونی استنکاف کنند این است که بنده خیال میبکنم اگر اینجاده حذف شود بهتر است خاصه اینکه در قانون مجازات عمومی هم برای

اشخاص مستنکف از قانون يك جزا هائی معین شده است
رئیس -- آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع -- آقا مستحضرنند که اساساً افکار عمومی برای عدم مجازات و برای اهمال کاری در مجازات خیلی شدت دارد و همه انتظار دارند که به بینند شخص خائن چطور مجازات میشود اغلب روزها آقای فیروز آبادی در اینجا داد میزنند و بالاخره اینها يك افکاری نیست که از خودشان در میآورند. بلی در قانون مجازات عمومی مجازاتی معین شده ما هم يك چیزی علاوه کرده ایم اساساً شما باید بدانید که این خزانه دار بایستی خودش هم برای خاطر آن اختیارانش دارای يك حکمی باشد که اگر یکی از مسؤولین پولی را برداشتند چه باید بکنند اقل مجازاتی که میتواند بکنند این است که حقوق انتظار خدمت را ندهد و اگر تصور میکنید که در قانون مجازات عمومی نوشته شده و عطف میشود بقانون مجازات بنده عرض میبکنم این برای تأیید آن است اما اینکه فرمودند استنکاف سابقه ندارد. بنده عرض میبکنم زیاد. اگر چنانچه سابقه نداشت ما محتاج نبودیم که آن لایحه را بیاوریم از مجلس بگذرانیم که آنها را تعقیب بکنند که بقول آقای شیروانی الان که آمده اند آنها را تعقیب کنند يك اشخاصی هم هستند که از آنها حمایت میکنند. ما در این جا این مجازات را برای اشخاصی که استنکاف بکنند از تأدیبه حقوق ملت و دارائی ملت که عبارت از مالیات است و اوابجمعی شان است معین کرده ایم و بالاخره باید این آقایان مجازات شوند و از روی همین قاعده اقل حقوق انتظار خدمت بآنها داده نشود.

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند

قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای ضیاء

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میشود که در ماده نهم: کلمه «ویامساحه» بعد از استنکاف حذف شود

رئیس - بفرمائید

ضیاء - اساساً باید قانون گذار متوجه این نکته باشد که راه اعمال غرض خصوصی را در قانون حتی الامکان بگیرد. آقایان اگر توجه بفرمایند بماده اینطور ماده نشان میدهد که استنکاف و مساحه دوتا است و مساحه را بمعنی استنکاف نگرفته است. اگر چنانچه استنکاف و مساحه دوتا باشد البته برای اشخاص مجال اعمال غرض در این قانون پیدا میشود. برای اینکه فرض می کنیم بنا است يك مأمور صاحب جمعی ده تومان از ورامین بگیرد و بمركز برساند بمجرد اینکه يك ساعت دیرتر شد ممکن است رئیس بگیرد مساحه در ارسال کرده و برای او يك تقصیری ثابت کند و بالاخره قانون هم او وعائله اش را از تمام حقوق محروم کند. اگر چنانچه استنکاف و مساحه در نظر کیسیون بودجه و دولت دوتا است و باید همان تقصیر اداری که در قانون خزانه داری سابق هست ذکر شود اما اگر اینطور نیست فقط استنکاف کافی است. مأمور صاحب جمعی که باید مالیات دولترا وصول کند اگر ازادای آن مالیاتیکه جمع کرده است استنکاف بکند البته بایستی مشمول اینقانون باشد و مجازات بشود اینماده هم لازم است از برای يك اداره که میخواهد دوسیه برای برای مجلس تشکیل بدهد و آنوقت به عدلیه احاله کند

مخبر - عرض کنم استنکاف و مساحه در لغت دو معنی دارد ولی در نظر کیسیون و دولت دوتا نیست و ما هم دو منظور نداشتیم بالاخره استنکاف بمعنی ابا و امتناع از دادن مال دولت است یکنفر صاحب جمع میرود در يك محلی يك مبلغی مالیات میگیرد میرزد جیبش دولت هم از او مطالبه میکند نمیدهد این استنکاف است این یکنوع مجازات دارد. يك وقت است يك مأموری يك مبلغی ابوجمع او است دولت از او مطالبه میکند

او بطفره و تعلل میگذراند دوسال سه سال طول میکشد استنکاف هم نمیکنند ولی طفره میزند. نمیگوید نمی میکشید میگویم ولی فعلاً وسائل فراهم نیست. دزد در راه بهم زده است. باید خانه ام را گرو بگذارم. انواع و اقسام بهانه است که يك مأموری مساحه کند. مساحه تنها راجع به صاحب جمع و تأدیبه مالیات نیست، در قانون هم هست مساحه در انجام خدمت خودش یکنوع مجازات دارد بنا بر این استدعا می شود از آقایان که این جا يك قدری افراط و تفریط نفرمایند يك عده ارفاق زیاد نداشته باشند يك عده هم شدت زیاد و بالاخره مأموری که مساحه میکنند در انجام وظیفه باید مجازات شود

رئیس - رأی گرفته میشود آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مدرس

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده (۹) بطریق ذیل نوشته شود: ماده ۹ - هر صاحب جمعی که استنکاف یا مساحه نماید از تحویل دادن عوائد وصولی خود بخزانه دار و هر محاسب و مأمور پرداخت که استنکاف یا مساحه نماید از دادن صورت و تصفیه حساب خود از خدمت منفصل خواهد شد و مطابق قوانین جزائی مجازات خواهد شد

رئیس - بفرمائید

مدرس - اولاً البته حکمیت اینکه مواد تقصیر مستخدمین داخلی را در این لایحه نوشته اند این است که این لایحه را که میدهند بدست خزانه دار و الا در قوانین دیگر خودمان نوشته شده است فقط برای این است که این لایحه را که میدهند بدست خزانه دار او اعتماد داشته باشد که این مستخدمین باید نظریات او را اجرا کنند. این را بنده مخالفت ندارم

ولی گمانم این است ماده که نوشته شده است يك تعقیدی دارد و مثل این است که يك چیزی باید علاوه شود اولاً این کسیکه استنکاف یا مساحه میکند از دادن پول سرکار هست یا نیست؟ بفرمایند. ظاهر این است که این مشغول کار است و استنکاف و مساحه میکند از دادن پول. شما این را مجازاتش قرار داده اید که حقوق انتظار خدمت و حقوق تقاعد باو نمیدهند ولی در اینکه منفصل میشود یا نه ساکت است این ناقص است و باید نوشته شود منفصل میشود و وقتیکه منفصل شد البته نه حقوق تقاعد میگیرد و نه حقوق انتظار خدمت بفرمائید از خدمت منفصل است و دیگر هیچ لازم نیست که بنویسند حقوق انتظار خدمت یا حقوق تقاعد نمیدهند وقتی که منفصل شد نه حقوق حالی را میبرد نه حقوق قبلی را نه حقوق انتظار خدمت را و نه حقوق تقاعد را بعلاوه مجازاتش را هم که قانون معین کرده است مطابق آن مجازات میشود این يك تعقیدی است عرض کردم اگر آقایان بخواهند مفهوم این ماده را بفرمایند آن مأمور هم قبول نمیکند میگویند من سرکار هستم هر وقت منفصل شدم شما حقوق انتظار خدمت بمن ندهید این تعقید است گمان من این است که يك تقصیری هم در ماده ۱۱ است چون حساب جمع و خرج هم در خزانه داری باید بشود همین قسمی که برای مأمور جمع مجازاتی معین کردیم اگر محاسبی هم از دادن صورت حساب یا تصفیه حساب مساحه کرد اگر بخواهند در این قسمت هم اختیار خزانه دار را زیاد کنند من حرف ندارم که آن را هم ردیف این کنند همانطور که اگر مأمور وصولی مساحه و استنکاف کرد این مجازات را دارد که منفصل خواهد شد آن محاسب هم اگر مساحه از دادن صورت حساب و تصفیه حساب کرد منفصل میشود. این برای مقصودی که شما دارید گمانم این است اوفی باشد. خوبست يك دفعه دیگر بفرمائید بخوانند (خطاب بوزیر مالیه) گوش بدهید که هوایی حرف نزنید.

(پیشنهاد مزبور مجدداً بشرح سابق خوانده شد) وزیر مالیه - عرض کنم این نظری که بطور کلی آقای مدرس فرمودند که این ماده مبهم و باین ترتیب در قانون خزانه داری منظور است خیلی صحیح است ولی اگر بهمان نقطه درست توجه بفرمایند آنوقت تصدیق خواهند فرمود که این قسمت پیشنهاد خودشان کاملاً تطبیق نمیکند با این نظر کلی که آقا دارند. انفضال لازمه محاکمه است بدون محاکمه يك مأموری را خواه محاکمه اداری باشد خواه غیر اداری نمی شود منفصل کرد ...

مدرس - سلب حق انتظار خدمت هم میشود کرد وزیر مالیه - بموجب قانون استخدام هر مستخدمی که طرف سوء ظن واقع شود قانون استخدام اجازه داده است که نظر بمقتضیات اداری او را منتظر خدمتش کنند برای همین کار هم این در قانون استخدام ذکر شده است. حالا اینجا ما خواستیم مسئله تشدید بشود که خزانه داری که مسؤل جمع آوری وجوه است که پرسنل و صاحبان جمع در تحت نظر او هستند بموجب اینماده قانون اختیار داشته باشد یعنی گذشته از آن اختیاری که قانون استخدام بوزیر میدهد خزانه دار هم بموجب این ماده قانون اختیار داشته باشد که اگر يك مأموری استنکاف کرد از پرداخت يك وجهی که گرفته مثلاً فرض کنید يك مأمور بلدیة محلی این را بعنوان مثل عرض میکنم برای اینکه الان مورد دارد و تحت محاکمه است. رئیس بلدیة باین شکل يك پولی گرفته که باید بدهد بصندوق خزانه این را نداد. کسی هم متذکر نشده ملتفت نشده دوسال بعد رسیدگی شده و بموجب يك تفنیشی معلوم شد که این را باید بدهد نداده است. ما این را تعبیر بمساحه می کنیم برای اینکه نخواسته بودند که استنکاف کنند. يك وقت دیگر هم هست که مثلاً بگویند فلان پول را بده او استنکاف کند ولی این نظائرش خیلی کم است آنوقت در این موارد

محاکمه و منفصل میشود و مطابق همان مجازاتهایی که در این ماده مذکور است مجازات میشود و از این نقطه نظر اداره هم میتواند حقوق انتظار خدمت باو ندهد و الا هر منتظر خدمتی بموجب قانون اگر در حدود صدی پنج باشد حق دارد که حقوق انتظار خدمت بگیرد و نمیشود او را محروم کرد اما اگر این ماده باشد از نقطه نظر اداری يك کسی که این وضعیت را دارد و منتظر خدمتش میکنند و ارجاع محاکمه میکنند ممکن است شش ماه یکسال طول بکشد چون محاکمه است استنطاق است عدلیه است باید برود و بیاید بموجب این ماده قانون وقتی که تصویب شد این مجازات در باره او اعمال میشود حالا اگر آقایان بخواهند آقای باسائی يك یادداشتی به بنده نوشته بودند و شاید آن نظری که ایشان دارند و پیشنهاد کرده اند بهتر مطلب را روشن کند ایشان تحقیق و استمراج کرده بودند که در آخر این ماده نوشته شود که مطابق قانون جزائی مملکت مجازات خواهد شد برای روشن کردن مقصود ماده باید این را نوشت بعقیده بنده مطلب همین است و اگر موافق باشند با نوشتن این قسمت مطلب روشن میشود بنده کاملاً موافقم ولی آن پیشنهادی که آقا میفرمایند بعقیده بنده صحیح نیست برای اینکه بدون محاکمه نمیشود کسی را منفصل کرد مدرس - بدون محاکمه حقوق انتظار خدمتش را هم نمیشود نداد

وزیر مالیه - چرا حقوق انتظار خدمت يك چیزی است که بموجب این اجازه که سهامدار این ماده میدهد چون جزئی است اگر این آدم محاکمه و تبرئه شد حق او باو اعاده میشود و این اقدام را میشود کرد و خیلی خوبست نسبت بحساب که فرمودند این جا ملاحظه میفرمائید این قانون قانون خزانه و خزانه داری است و مأمورین محاسبه و حساب مربوط بخزانه نیست در ماده ۱۰ ملاحظه میفرمائید.....

مدرس - ماده بازده

نوکر مملکت اگر دزدی کنی از نوکری خارج میشود این ظلم نیست. امیدوارم که این پیشنهاد را قبول کنند که جلو گیری از اختلاسات بشود که شاید روزی هم ما روی سعادت و ترقی را به بینیم و از این ذلت خارج شویم.

رئیس - آقای رفیع

حاج آقارضا رفیع - بعقیده بنده برای مأمور مختلس مجازاتهایی که لازم بود نوشته شده ایشان علاوه کرده اند بر آن مجازاتها مجازاتهای عمومی را این مأمور آمد پنج تومان پول دزدی کرد پول را ازش گرفتند مجازاتش هم کردند بعد از دو سال سه سال دیگر آمد در اداره راه آهن مستخدم شد و ماهی پنج تومان بهش دادند که برود بازن و بچه اش بخورد. چرا نخورد؟ اگر آن روز تقصیر کرده و مجازاتش حبس بوده حبس شده وقتی که چندین سال حبس شد و پس از يك مدتی آمد يك کار کوچک پنج تومانی در ماه قرار شد بهش داده شود که ارتزاق کند چرا ممنوع باشد؟ تمام اینها را بایستی مقنن پیش بینی کند بجهت اینکه شاید او از گرسنگی بمیرد ما برای او يك حقوقی معین میکنیم که روزی دو قران باو بدهند دزد هم که دیگر نباید بمیرد او هم باید زندگی کند و گمان میکنم این اندازه شدت هم لازم نیست و همیتقدر کافی است.

رئیس - رأی گرفته میشود آقایانیکه این پیشنهاد

را قابل توجه میدانند فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای باسائی

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در سطر ۴ ماده ۹ نوشته شود و مطابق قوانین جزائی مملکت نیز محاکمه و مجازات خواهد شد.

رئیس - آقای باسائی

باسائی - بنظر بنده دو نوع مجازات در این ماده پیش بینی شده يك نوع مجازات اداری و بکنوع مجازات عمومی. مجازات اداری که در خود وزارت مالیه بعمل می آید و رسیدگی در همان جا میشود که بالاخره منتهی باین میشود که حقوق انتظار خدمت بهش ندهند یا حقوق تقاعدش را ندهند. ولی این که محکوم بشود بمجازاتهایی که در قانون جزا پیش بینی شده مجازات مخلف از قانون آن باید در عدلیه رسیدگی بشود و محتاج محاکمه است و بنظر بنده اینطور رسیدگی که تصریحی لازم است و باید نوشته شود علاوه بر اینکه از حقوق انتظار خدمت و تقاعد محروم خواهند ماند و وزارت مالیه او را محاکم عمومی هم ارجاع میکنند که محاکمه کنند و مطابق قانون جزا محکوم کنند علت اینکه کله (محاکمه) را در این جا بنده پیشنهاد میکنم برای این است که محروم کردن از حقوق انتظار خدمت یا حقوق تقاعد يك چیز اداری است و محاکمه عمومی لازم ندارد، عدلیه نمیکشود. وزارت مالیه هم میتواند این حکم را بدهد ولی محکوم شدن بجزائی که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است محاکم عدلیه باید رسیدگی کنند و بر طبق رسیدگی عدلیه باید حکم صادر شود باین جهت بنده این را پیشنهاد کردم که تصریح شود.

مخبر - بنده با توضیح مقدمه توضیحشان قبول می کنم و آن این است که منتظر خدمت با ممنوع کردن از حقوق انتظار خدمت البته بدون مجوز قانونی نخواهد بود منتهی بموجب قانون وزارت مالیه و بر طبق قوانین دیگری ممکن است او را منتظر خدمت کنند یا از حقوق انتظار خدمت محروم کنند و الا بدون مجوز قانونی ممکن نیست و بنده این را قبول میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای شریعت زاده

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۹ - هر مأمور و مستخدم صاحب جمعی که بر خلاف مدلول این قانون از تحویل عوائد وصولی خود

بخزانه داری کل استنکاف یا مسامحه نماید از اخذ حقوق انتظار خدمت و وظیفه تقاعد که بر طبق قانون استخدام کشوری ذبح می شود محروم خواهد شد در صورتیکه تخلفات مأمورین با جنحه و جنایاتی توأم باشد مجازات فوق مانع از تعقیب آنان در محاکم عمومی نخواهد بود
رئیس - بفرمائید

شریعت زاده - عرض کم این جایک مذاکراتی شده که بنده لازم میدانم بواسطه اهمیت این ماده توجه آقایان را جلب کنم. و آن این است که اساساً نسبت بقسمت اول مجازات باید محاکمه شود یا نه؟ یعنی در صورت تحقق استنکاف و مسامحه محاکمه لازم است یا خیر؟ البته بدیهی است که لازم است ولی چیزی که هست باید تفکیک کرد یعنی دو مجازات قائل شد آن قسمتی که مستلزم مجازات اداری است در نتیجه محاکمه اداری مجازات میشود و آن قسمت عبارت است از مجازاتی که در نتیجه مسامحه استنکاف که فقط جنبه اداری داشته باشد بعمل خواهد آمد یعنی اگر يك مأموری استنکاف یا مسامحه کند از پرداخت وجوهی که جمع او است محکمه اداری حکم میدهد این يك قسمتش. يك دفعه این است که در نتیجه استنکاف و مسامحه يك چیز های دیگری هم هست یعنی مسلم شد که او نظرش خوردن است یا اختلاس است یا حیف و میل کردن است آن وقت است که توأم با جنبه جنایاتی میشود و باید برود به محکمه بنا بر این بنده پیشنهاد خودم را اینطور تنظیم کردم: قسمتی که مربوط است بجرم اداری مجازاتش همان است که نوشته شده: محرومیت از وظیفه تقاعد و حقوق انتظار خدمت که در حدود صلاحیت محکمه اداری است ولی اگر محکمه اداری تشخیص داد که موضوع جنحه و جنایاتی است فوراً باید این را ارجاع بکنند به محکمه و مجازاتی که عبارت از محرومیت از وظیفه تقاعد یا انتظار خدمت باشد مانع از تعقیب جزائی او در عدلیه نیست در صورتی که آن ماده طوری

مالیه بایشنها دار خزانه دار موافقت نماید و انتقال عضوی را وزیر مالیه یا کفیل آن لازم بداند خزانه دار موافقت نمایند موضوع بهیئت وزراء مراجعه شده و با حضور خزانه دار تصمیم متخذ قطعی خواهد بود

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - عرضی ندارم

روحی - مخالفی نیست

رئیس - مخالفی ندارد؟

کازونی - بنده عرض دارم

رئیس - بفرمائید

کازونی - عبارت پیش بنده يك قدری ابهام دارد میخواستم آقای وزیر مالیه توضیح بدهند که رفع این ابهام بشود و آن این است که میگوید مستخدمین وزارت مالیه که عهده دار وصول عواید مملکتی و با متصدی پرداخت مخارج می باشند بعقیده من تمام مستخدمین وزارت مالیه این دو شغل را بالاخره دارند حالا مقصود مأمورین يك ادارتی است یا يك صفت مخصوص در يك اداره مخصوصی. پس این جا توضیح بدهند که اسباب ابهام نباشد

مخبر - عرض کنم مثلاً فلان خوشنویس که کاغذها را با کتوبیس میکند چه مسؤولیتی دارد مثل یک نفر صاحب جمع مسؤولیت دارد. مشاغل با هم فرق دارد و خصوصاً توضیح داده شده است که يك طبقه از مستخدمین مالیه باید مشمول این ماده واقع شوند

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در آخر قسمت دوم از ماده دهم اضافه

لازم است بحث شود و آن این است که همین قدر که مجرد استنکاف در محکمه اداری معلوم شد این ماده آنرا یکی از موارد جزائی یا جنائی میکند یا نه؟ اصل مطلب این است که ما میخواهیم استنکاف خودش جزائی و جنائی باشد و بموجب این ماده محاکم عدلیه، بارگاهها، وقتی که يك کسی را ما فرستادیم بعنوان مستنکف و معلوم هم کردیم که استنکاف کرده او را تعقیب کنند. در قانون مجازات عمومی يك موادی است راجع به تخلف از اجرای قانون و آن مواد شامل حال هر نوع تخلفی نسبت بقوانین میشود. وقتی که ما این ماده را باین ترتیب نوشتیم خواسته ایم تشدید بکنیم و آن موادی که در قانون مجازات عمومی است بدون اسکال شامل حال این اشخاص بشود. حالا چون مسئله قدری دقیق است و آقای شریعت زاده هم مطلب را از این نقطه نظر بحث کردند بنده مضایقه ندارم و اگر آقای مخبر محترم و اعضاء کمیسیون بودجه میل داشته باشند این ماده با پیشنهادها بیاید بکمیسیون و چون در کمیسیون ما مواد دیگری هم داریم و مشغول مطالعه هستیم مطلب را يك قدری روشن تر میکنیم (و چون مسئله جزائی است البته بیشتر مطالعه میشود) بعد میآید بمجلس

مخبر - بنده موافقت می کنم که پیشنهاد آقای

شریعت زاده و سایر پیشنهادها بیاید بکمیسیون

رئیس - ماده دهم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده دهم - تعیین ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین وزارت مالیه که عهده دار وصول عواید مملکتی و با متصدی پرداخت مخارج میباشد با رعایت مقررات قانون استخدام به پیشنهاد خزانه دار کل در حدود قوانین مملکتی انجام خواهد گرفت

در صورتیکه در مورد تعیین و ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین مزبور وزارت مالیه یا کفیل وزارت

شود « و باید دلایل طرفین در صورت اختلاف و قطع و فصل آن از طرف هیئت وزراء کتباً با اطلاع اعضاء مجلس شورای ملی برسد » تقی زاده

رئیس -- آقای تقی زاده

تقی زاده -- بنده توضیح زیادی ندارم و این پیشنهاد را در دو ماده دیگر ماده ۴ و ۵ هم کرده بودم برای اینکه اینجا گفته شده است که هر اختلاف نظری که پیش بیاید توسط هیئت وزراء قطع میشود البته باین اعتراض ندارم ولی برای روشن شدن مطلب همیشه بهتر است که دلایل طرفین منتشر شود و با اقلال اطلاع نمایندگان ملت برسد و مخصوصاً در اینجاده خیلی مهم است برای اینکه اساساً تعیین و ترقی و تنزل و انتقال و غیره را خزانه دار برعهده خواهد داشت ولی برای اینکه يك موقع استثنائی هم پیش میآید که وزارت مالیه با مقامات بالاتر از خزانه دار نظری داشته باشند در اینجا حق مداخله بانها داده میشود ولی عقیده بنده این است که این نوع اختلافات اگر علنی و عمومی نباشد و دلایل طرفین منتشر نشود ممکن است که مکرر اتفاق بیفتد و در مواقعی اتفاق بیفتد که شاید مجلس و افکار عامه اگر مطلع شود این نوع اختلاف پیش نیاید با اقلال حقانیت هر طرفی برای آنها واضحتر شده باشد لذا تصور میکنم که هیچ عیبی ندارد که بعد از آنکه در هیئت وزراء قطع و فصل شد دلایل طرفین با اطلاع نمایندگان مجلس شورای ملی برسد. این خلی هم در اختیارات وزیر مالیه و اختیارات خزانه دار وارد نیآورد ولی مانع از بعضی سوء استفادهها در بعضی موارد میشود که بنده نمیخواهم آن موارد را فعلاً توضیح بدهم

وزیر مالیه -- همینطور که اظهار فرمودند طرز پیشنهادی که کرده اند ترتیبی است که شاید ظاهراً خللی بوظایف قوه مجریه و مسؤولیت وزراء و هیئت وزراء نمیرساند ولیکن يك معایب دیگری دارد که یکی را بیشتر بنده عرض نمی کنم که نتیجه تجربه است. اغلب

این اختلافات در سر يك موضوعاتی پیش می آید که اصلاً انتشار به آنها صحیح نیست و الا چرا پیش میآید چه دلیل دارد که وزیر مالیه انتقال يك مأموری را از يك جائی بخواهد که خزانه دار نخواهد؟ این فقط در يك موقعی ممکن است که مسائل سیاسی باشد ممکن است دولت در مقال سیاسی واقع شود که انتشارش غلط باشد باین ملاحظه است که فقط این لفظ انتشار يك چیزی است که مضر مقصود است.

رئیس -- آقای حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع -- بنده علاوه میکنم بر توضیحات آقای وزیر مالیه که بالاخره قانون را بدون سوء ظن باید وضع کرد. دولتی تصور نمیکنم در این مملکت باشد بدون تصویب اکثریت مجلس بنده همچو هیئت دولتی را سراغ ندارم هر هیئت دولتی که باشد البته با تصویب اکثریت مجلس شورای ملی خواهد بود و بالاخره ظرف اعتماد مجلس شورای ملی خواهد بود هر هیئت دولتی که طرف اعتماد مجلس شد بالاخره او برای ماحکومت میکند باید قضاوت کند و بالاخره يك اختلاف نظری که هیچ ممکن نیست پیش بیاید همین پیشنهاد اسباب اختلاف نظر بین آنها میشود وقتی آن آدم بفهمد که غیر از هیئت دولت جای دیگری این مطالب جریان پیدا خواهد کرد وقتی بفهمد باینکه اینجا یادداشت میدهم آنجا چقلمی میکنم بالاخره مثل کارهای سابقان میشود و هیچ نتیجه نمی گیریم پس اجازه بدهید که اینها مسؤل وزارت مالیه و هیئت دولت باشند و قضا یا در همانجا حل شود ما اگر اختلافی پیدا شود میتوانیم از دولت بپرسیم شما فلان مسئله را که خزانه دار پیشنهاد کرده بود چرا موافقت نکردید اگر حقیقتاً دولت کمک نکرده باید استیضاح کرد چطور ممکن است يك قضائتی بر ما مخفی باشد ما هر قضیه را که میخواهیم بفهمیم فردی ممکن است رجوع کنیم و برسیم دیگر لازم نیست در اینجا بنویسیم

رئیس -- رأی میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قبلاً

توجه میداندند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد پیشنهاد آقای فهیمی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم جمله آخر ماده ۱۰ بطریق ذیل اصلاح شود

بجای با حضور خزانه دار نوشته شود پس از اصغای توضیحات خزانه دار تصمیم متخذ قطعی خواهد بود

رئیس -- آقای فهیمی

فهیمی -- بنده بر خلاف نظر آقای تقی زاده هیچ عقیده ندارم که مستخدمین خارجی در این مملکت يك قوه رسمی در مقابل دولت واقع شوند که مجلس بخواهد در کار آنها دخالت کند اینها مستخدم هستند. نه در سیاست باید داخل شوند نه در انتخابات نه چیزهای دیگر لیکن این جمله را که اینجا نوشته اند تصمیم متخذ با حضور خزانه دار قطعی خواهد بود معلوم نیست خزانه دار برای چه در آنجا میآید. باید ساکت بنشینند؟ باید حرف بزنند؟ حضور تنها کافی نیست باین جهت بنده اینطور پیشنهاد کردم که پس از اصغای توضیحات خزانه دار تصمیم متخذ قطعی خواهد بود برای اینکه این عبارت يك حقی میدهد که او هم يك توضیحانی بدهد و دولت آن وقت ممکن است قبول کند ممکن است رد کند.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- موافقم

مخبر -- بنده قبول میکنم

رئیس -- پیشنهاد آقای احتشامزاده

(باین مضمون خوانده شد)

پیشنهاد میکنم عبارت ذیل با آخر ماده ده اضافه شود تعیین و ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین اداره محاسبات کل هم بشرح فوق. با پیشنهاد رئیس اداره

محاسبات کل انجام خواهد شد

رئیس -- آقای احتشام زاده

احتشام زاده -- در اینجا تکلیف اعضاء اداره خزانه و مأمورینی را که برای وصول عوائد معین میشوند معین کرده است ولی برای اعضاء اداره محاسبات کل که بعقیده بنده این اداره هم يك اداره خیلی مهمی است و بهمین نظر برای این اداره هم متخصص از اروپا استخدام میشود تکلیفی معلوم نشده لذا عقیده بنده این است که برای اعضاء اداره محاسبات کل هم در این قانون يك اشاره بشود این است که در آخر ماده اجلاً اشاره کردم که تعیین و ترقی و انتقال و عزل و نصب اعضاء اداره محاسبات کل هم با پیشنهاد رئیس اداره محاسبات کل و البته با رعایت مقررات قانون استخدام مملکتی خواهد بود

مخبر -- پیشنهاد آقای احتشام زاده اگر تغییری داده شود که اینجا ما تمام مستخدمینی را که از خارج دعوت میکنیم دخالت در عزل و نصب اعضاء ندهیم همانطور که بخود ایشان هم عرض کردم ممکن است قبول کنیم ولی اگر چنانچه بنده رئیس تقنینی با فلان مقش اختلاف نظر پیدا کند یا اینکه اعضاء محاسبات کل را رئیس محاسبات یا يك عده اعضاء دیگر را دیگری پیشنهاد کنند و هر روز اختلاف نظرین و زبرورؤسا واقع شود صلاح نیست و همانطور که هشان عرض کردم اگر باین اعضاء محاسبات کل هم افزوده شود که وزیر مالیه باینکنفر طرف باشد ممکن است قبول کرد

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- آقای شیروانی بنده عقیده ندارم که يك وزیر مالیه هر ساعت با یکی طرف باشد یکی خزانه داری. یکی رئیس تقنینی یکی رئیس محاسبات یکی رئیس مالیه آقایان این اندازه ما نباید هی هر روز برای خودمان آقا بلاسر درست کنیم آن چیزی که مورد سوء ظن واقع شود نسبت بعایدات مملکتی است ما عواید مملکتی را کاملاً تحت نظر خزانه دار قرار دادیم

و خزانه دار را هم مأمور وصول و ایصال قرار دادیم از هر طرف بقول آقای شبروانی که گاهی صحبت میدارد يك سد آهنین قرار دادیم. حالا این سدر را زبان یا جوج و ما جوج خراب کنند من نمیدانم ولی مطابق قانون ما يك سدی دور خزانه کشیده ایم. حالا بیائیم بگوئیم رئیس محاسبات هم باید استقلال داشته باشد اعضایش را عزل و نصب کند؟ مفتش همینطور؟ مستشار همینطور؟ بنده مخالفم باین اندازه ما نباید وزیر مالیه را دست و پایش را ببندیم

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. رای گرفته میشود بماده دهم با اصلاحی که آقای فهیمی دادند و آقای مخبر هم قبول کردند آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده بازدم

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده بازدم - محاسبه جمع و خرج عوائد مملکتی اعم از نقدی یا جنسی در خزانه داری کل نگاهداری شده و تمرکز مییابد و همیشه برای ملاحظه مفتشین که مأمور رسیدگی آن میشوند حاضر خواهد بود

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - موافقم

رئیس -- مخالفی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس -- رای گرفته میشود آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس -- تصویب شد. ماده دوازدهم

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده دوازدهم - خزانه داری کل مکلف است در موعد مقرر پیش بینی عواید سال بعد را بداره محاسبات بفرستد تا مأخذ اعتباری که در حدود آن بودجه مملکتی تهیه خواهد شد معلوم باشد و همچنین خزانه دار مکلف است در موعد مقرر صورت محقق عوائد وصول شده و مخارج پرداختی مملکتی را بداره محاسبات ارسال و رئیس محاسبات کل مالیه مکلف خواهد بود لایحه تفریغ بودجه را تهیه و مفاصا بمأمورین صاحبجمع بدهد

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - موافقم

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - خواستم اینجا توضیحی آقای وزیر مالیه بدهند ولو مطابق قانون اساسی و قانون محاسبات عمومی موعد مقرر را معین کرده لیکن در این قانون خواستم ببینم نظر آقای وزیر مالیه چیست چون اینجا نوشته « خزانه داری کل مکلف است در موعد مقرر پیش بینی عواید سال بعد را بداره محاسبات بفرستد » آیا نظر شان بهمان ماده بیستم قانون اساسی است که ششماه قبل از سال بعد موقع تهیه بودجه است یا مطابق قانون دیوان محاسبات که مثلاً در خرداد امسال که باید مخارج پارسال را داد آنست؟ این را توضیح کنید که معلوم شود موعد مقررش چه در میآید

وزیر مالیه - اینجا دو موعد است یکی برای تهیه بودجه یکی هم برای لایحه تفریغ بودجه هر دو را قوانین معین کرده تهیه بودجه موعدش ششماه قبل از سال است مثلاً ششماه به ۱۳۰۷ مانده پیش بینی عوائد ۳۰۷ است و لایحه تفریغ بودجه موعد تقدیمش برای بازده ماه بعد از سال عمل است و در آن موعد باید حاضر شود اینها را قوانین دیگر معین کرده است

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - بنده يك اصلاح عبارتی دارم اینجا در آخر ماده نوشته شده است « و رئیس محاسبات کل مالیه مکلف خواهد بود لایحه تفریغ بودجه را تهیه و مفاصا بمأمورین صاحب جمع بدهد » این دو جمله مقدم و مؤخر است بایستی پس و پیش شود اول باید مفاصا را بمأمورین صاحب جمع بدهند بعد لایحه تفریغ بودجه رسیدگی کنند زیرا بعضی از مأمورین در ضمن دوره عمل مدت مأموریتشان ختم میشود و باید بآنها مفاصا داد نمیشود آنها را معطل کرد تا موقع تقدیم لایحه تفریغ بودجه اگر این دو جمله را پس و پیش کنند بنظر بنده بهتر است.

مخبر - عرض کنم که این دو وظیفه علیحده است که بمعهده محاسبات کل واگذار شده و اگر نظر آقای فهیمی را ما قبول کنیم هر وقت بپرسیم لایحه تفریغ بودجه کجاست میگویند هنوز مفاصا بمأمورین داده نشده و این يك بهانه میشود لایحه تفریغ بودجه را مکلف هستند تهیه کنند و مجلس بفرستند مفاصا را هم مکلف می کنیم بدهند

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

(بعضی از نمایندگان - کافی است)

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود. پیشنهاد

آقای بامداد

(باین مضمون خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در آخر ماده دوازدهم اضافه شود « و همچنین مأمورین صاحبجمع مکلفند که بمؤدیان مالیاتی مفاصا بدهند »

رئیس - آقای بامداد

بامداد عرض کنم این واضح است که این ماده بمنفع هیئت دولت است قسمتهائی است که راجع است بدولت از آن طرف هم باید فکری برای مردم کرد مفاصا بمؤدیان مالیات

دادن علاوه بر اینکه سبب آسایش آنها میشود که دائماً گرفتار نیستند هر ساله و مخصوصاً در موقع تبدیل و تغییر امنای مالیه خود این مفاصا ها يك اسناد ملکی میشود تا موقعی که ما ثبت اسناد نداریم تکلیف املاک معین نیست خودش يك اسناد ملکی است باین جهت بنده پیشنهاد کردم حالا بسته بنظر آقایان است

مخبر - يك مرتبه دیگر خوانده شود

(مجدداً خوانده شد)

وزیر مالیه - اینجا بمؤدی مالیات که میدویسد مفاصا بدهند این هیچ معلوم نیست چیست برای اینکه هیچ مؤدی مالیات مالیات نمیدهد بدون اینکه قبض بگیرد و الا آن قبوضی که ترتیب داده شده است برای پرداخت مالیات چهار نسخه چاپی است يك شکل مخصوص که از هر قبضی چهار نسخه صادر میشود یکی بمؤدی داده میشود یکی بمحاسبات یکی بخزانه یکی هم در دفتر صاحبجمع است این خودش مفاصا است مفاصای دیگری مانداریم آن مفاصائی که بترتیب سابق میشد آن يك حساسهای دیگری بود و مؤدیان مالیات يك معاملات با دولت داشتند و يك جمع و خرجهای دیگری داشتند او صورت محاسبه پیدا میکرد مفاصا را باید در مقابل محاسبه داد اما در مقابل بده مالیات باید قبض داد خود آن قبض مفاصا است دیگر محتاج بذکر در قانون نیست هیچ ممکن نیست مالیات گرفته شود بدون قبض اصلاً مؤدی بدون قبض نباید پردازد هیچ مؤدی مالیاتی تا قبض بهش ندهند مالیات نمیدهد بعلاوه ما به همه جا اعلان کردیم در مقابل قبوض رسمی مالیات بدهند و در مقابل قبوضیکه غیر از آن قبوض رسمی باشد نباید مالیات داد یکی از جرائم معمولی این است که گاهی قبوض غیر رسمی صادر میکنند و هر وقت چنین چیزی صادر کنند ما اینها را اختلاس فرض می کنیم باین نظر اگر در اینجا ذکری از مفاصا نکنیم بهتر است

رئیس - رأی می گیرم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل

توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد آقای دهستان، پیشنهادش تقریباً همین است

دهستانی - فرق دارد

(پیشنهاد آقای دهستان شرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را ماده ۱۲ اضافه میکنم

تبصره - امنای مالیه مکلف خواهند بود که در آخر هر سال مفاصا حساب بجزو معین از جمع و خرج از اداره محاسبات تحصیل نموده و محاسبه مؤدیان محلی را تفریق و مفاصا حساب که جمع و خرج آن اسماً و رسماً معلوم باشد بانها تفویض نمایند

رئیس - آقای دهستان

دهستان - بنده اطلاعاتی که دارم بعرض میرسانم آقای وزیر مالیه هم التفات کنند اگر دیدند صلاح نیست ممکن است پس بگیرم. عرض کنم وقتی که مفاصا حساب بدست مؤدیان مالیات داده شد مأمورین مالیه ناچارند از آنچه که وصول کرده اند سند بدست طرف بدهند و نسخه همان مفاصا را از طرف میگیرند و در دوسیه دولت ضبط میشود ولی اگر مفاصا حساب ندهند و قبوضات شخصی خودشان را بدهند الان يك قبضی است اینجا آقای وزیر مالیه اگر میخواهند خدمتشان ارائه می دهم یک نفر تحصیلدار قریب صد تومان از يك بده کار می گیرد و در آنجا می نویسد که من آنقدر از طلب دولت را گرفتم هر وقت دولت خواست بدهم. فکرتش را بکنید. ولی اگر مفاصا باشد در آخر سال مؤدی مالیات آن قبض را میبرد و او ناچار است که يك سند رسمی بدست آن مؤدی بدهد و امین مالیه هم ناچار است که این محاسبه را در دفاتر خودش وارد کند اگر مفاصا نباشد بقایا را مأمورین مالیه خودشان حیف و میل میکنند و اینکه اظهار می شود اختلاص شده این اختلاصها از آن پولهای موجود است که خودشان هم اقرار دارند که گرفته ایم موضوع

بکشید تحت محاکمه وقتی که مسلم شد قبض شخصی داده است چهارناشان که مجازات شدند تمام میشود دیگر بنده تصدیق میکنم در محل خود بنده هم این عملیات میشود است و شده است ولی باید جلوش را گرفت. وقتی که دوسه فقره را جلوگیری کردیم قانون را اجرا کردیم این خراب کاریها از بین می رود اما اگر ما از طرفی مسامحه کردیم در نظارت در اجرای قانون و از طرفی هم باندازه تمام کتابهای دنیا قانون وضع کنیم جلوان عملیات را نخواهد گرفت

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب.

(بشرح آتی قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم

مأمورین وصول مکلفند قبض رسید بمؤدیان مالیاتی بدهند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - يك موضوعی را که مجلس مینویسد می تواند مؤاخذه از دولت بکند یعنی قوانینی را که خود مجلس می گذراند می تواند مؤاخذه کند حالا آقای وزیر مالیه شاید بفرمایند ما در وزارت مالیه نظامنامه در این باب داریم ولی نمیتوان بان نظامنامه رسمیت قانونی داد و از آن حیث سؤال کنیم بنده می دانم که مأمورین وصول در ولایات و دهات و قصبات نسبت باین مردم بیچاره چه میکنند و خوشبختانه روزناجات ما این اخبار مجلس را نسبت باین مطالب انتشار میدهند که مردم حقیقه مستحضر شوند و الا آقای شیروانی فرمودند که اگر تحصیلدار قبض شخصی داد مؤاخذه است اما آن بدبخت نمیداند بمجردی که مأمور یا نظامی آمد جانش

را هم تحویل میدهد و هیچ هم نمی فهمد مگر اینکه کم کم روزناجاتی منشر شود و يك چیز هائی بفهمند و بیدار بشوند حالا بنده میدانم که مأمورین وصول باید قبض رسمی چاپی مالیه بدهند اما این نظامنامه است نه قانون بنده نمیخواهم قوت قانونی بهش داده شود میخواهم اگر يك جا خلاف قانونی واقع شد بنده بتوانم سؤال کنم یا تکالیف و کالی خود را اعمال کنم و الا اگر نظامنامه باشد بنده نمیتوانم

وزیر مالیه - اگر چه خود نماینده محترم مطلب را خوب توضیح دادند راجع بنظامنامه ولی بنده فقط يك چیزی را عرض میکنم در قانون مینویسد ماده ۱۳ - برای اجرای مدلول مواد فوق نظامنامه های لازمه از طرف خزانه دار کل با جلب نظر متخصص مالی تهیه و پس از موافقت و امضای وزیر مالیه لازم الاجرا خواهد بود. این برای چیست؟ برای این قبیل چیزها است. در قانون که نباید نوشت که قبض باید بدهد این قبض سوش دار باید باشد چهار نسخه باید باشد یا دو نسخه اینها يك مسائلی است که جزئی و مربوط اداره اصل مطلب این است که مالیات در مقابل سند داده میشود این چیزی است که هیچ مؤدی اصلاً بدرد سند مالیات نمیدهد. مگر همان طوری که خودتان فرمودید آن دیگر مربوط بمسائل عادی نیست يك وقت يك اتفاق فوق العاده بیفتد يك کسی برود بزور و بیل خودش يك کار هائی بکند این را در قانون میشود پیش بینی کرد. ما فعلاً قانون میگذرانیم پس قانون را بگذارید بهمین شکلی که هست باشد چون بعقیده بنده این مسائل مسائل نظامنامه است

رئیس - آقایانیکه با این پیشنهاد موافقت و قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای اعتبار (بشرح آتی خوانده شد)

بند پیشنهاد می کنم اضافه شود در ظرف مدت شش ماه مفاصا بمأمورین صاحب جمع بدهند
رئیس - آقا این رد شده است
اعتبار - مدت تداسر راجع بمأمورین است
رئیس - بفرمائید

اعتبار - در پیشنهادی که آقایان داده بودند مدت معین نبود نوشته بود باید مفاصا بدهند این را بنده مدت معین کردم و نظرم این بود که بالاخره در ظرف يك مدت هم محاسبات هم بمأمورین مکلف باشند مفاصا بدهند که بتوانند لایحه تفریح بودجه را تهیه نمایند

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - بنده نظر آقایان پیشنهاد دهندگان را جلب میکنم بوظایف متخصص مالی یکی از کار هائی که ما از متخصص مالی خواسته ایم اصلاح ترتیب اداره مالیه است همه آقایان اقرار دارند که اداره مالیه ما هیچ مرتب نیست و باید اصلاح شود مخصوصاً در زمان امریکائیا هر کس از هر جائی شکایت داشت آن شکایت را بمبادی شکایت میفرستادند مفاصا نمیدادند قبض نمیدادند پول میگرفتند این جهت ها بود که ما را مجبور کرد که متخصص مالی بیاوریم که ترتیب اداری وزارت مالیه را اصلاح کند. یکی از ترتیبات اداری وزارت مالیه همین ترتیب مفاصا است و حضرتعالی هم که موافقت دارید اساساً با این لایحه. در ظرف شش ماه محل ندارد مثلاً اگر نگردد، یا در وسط راه گیر کرد یا نتوانست برساند آنوقت يك تکلیفات معین کرده اید و بنده گمان نمیکنم عملی باشد ما امید داریم که این متخصص بیاید و يك ترتیبات اساسی بدهد برای اینکه از دست این مفاصا هم ماخلص شویم مالیات ارضی را ازین برداریم که اصلاً گرفتار مفاصا نباشیم

رئیس - آقایانیکه با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی گرفته میشود بهاده دوازدهم آقایان که تصویب میکنند قیام فرمایند
(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سیزدهم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده سیزدهم - برای اجرای مدلول مواد فوق نظامنامه لازمه از طرف خزانه دارکل باجلب نظر متخصص مالی تهیه و پس از موافقت و امضای وزیر مالیه لازم الاجرا خواهد بود

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

(حاضر نبودند)

رئیس - مخالفی نیست؟

حقوقیس - بنده مخالفم

حشمتی - مخالفم

رئیس - آقای حقوقیس

حقوقیس - اگر آقایان توجه بفرمایند این ماده بعقیده من هم برای دولت مضر است و هم در شئون مجلس دخالت کرده زیرا البته دولت آزاد است برای اجرای قوانین نظامنامه هائی را بیک طریقه که مخالف باقوانین دیگر نباشد وضع و اجرا کند این يك چیزی نیست که مجلس لزوم وضع نظامنامه را تصویب کند و آنوقت آن نظامنامه ها که طریقه اجرای يك قوانینی است برای دولت لازم الاجرا باشد چون دولت باید دستش باز باشد که در طریقه اجرا بهر وسیله و طریق که در جریان عمل بهتر کشف کرد منظور قانون را اجرا کند نه اینکه مجبور باشد يك نظامنامه را که وضع کرد لازم الاجرا باشد و مجبور باشد مطابق این نظامنامه همیشه

مواد را اجرا کند. علاوه بر این آقایان تجربه دارند که در طی نظامنامه ها مواد قانونی درج میشود و مکرر خود آقایان در نظامنامه ها مخالفت کرده اند حالاً دلخوشی که بود این بود که این نظامنامه ها قانون نیست و محض تذکر نمایندگان بوزراء فوراً يك ماده که مضر است می توانند تغییر بدهند حالاً شما می آئید قانون وضع می کنید و اختیار می دهید يك نظامنامه وضع شود بعد این نظامنامه را هم لازم الاجرا قرار می دهید که خود شما هم بعد از اجرا دیگر حق تغییرش را ندارید این بعقیده بنده هم برای دولت مضر است هم بالاخره در شئون مجلس و اختیار وضع قوانین دخالت خواهد کرد

وزیر مالیه - اینجا تصور می کنم يك اشتباهی شده برای اینکه بالاخره هیچ اداره بدون نظامنامه ممکن نیست اداره شود هیچ قانونی هم بدون نظامنامه ممکن نیست وسائل اجرایی آن فراهم شود اینجا این ماده که نوشته شده برای احتیاط کاری است اگر این ماده نباشد وزیر مالیه مأمور اجرای این قانون است و او باید نظامنامه را بنویسد و اینکه در اینجا ذکر شده از نقطه نظر احتیاط است که خواسته اند این نظامنامه را مقید کنند. و همچو قرار داده شده که این نظامنامه باید بنابر پیشنهاد خزانه و تصویب متخصص و بالاخره نامضای وزیر مالیه باشد و حقاً باید هم باشد بعلاوه چرا آقا فراموش فرموده اند که عین این ماده بدون هیچ کم و کسری در قانون چهارم اسد نسبت بااختیارات رئیس کل مالیه سابق ذکر شده و پنجسال تمام مورد امتحان بود و تمام نظامنامهها را خودشان مینوشتند و امضا میکردند و بموجب همان قانون آن نظامنامهها صورت قانونیت بخود گرفته بود اینکه میفرمائید در نظام نامه يك مواردی است که با قانون مغایرت دارد و این از شئون قانون گذاری میگاهد این يك ایرادی است که در هر موضوع و هر جا وارد است و باید جلوگیری کرد

و بنده هم انکار نمیکنم که در بعضی از نظامنامهها شاید از نقطه نظر اشتباه و سهو (نه از نقطه نظر عمد) يك خلاف قانون هائی در کار باشد ولی باید اصلاح کرد مخصوصاً برای اینکار اسباب کار را باید فراهم کرد. این را نباید همچو فرض کرد که حالا که اینطور است نظامنامه را اداره مربوطه نباید بنویسد. خیر اینکار را باید بکند عمل وسائل اصلاح و اسباب کار را هم باید فراهم کرد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - نظر بنده هم بهمان موضوع است آقای حقوقیس فرمودند. میخواهیم قانون بنویسیم و وزیر مالیه را هم مأمور اجرای آن بکنیم این مثل این است که ما ازحالا بطور مساعد رای بدهیم که نظامنامه واجب الاجرا و در حکم قانون است. بنده حقیقتاً فکر آقای حق نویس را تقدیس می کنم. ما وزیر را مسؤل اجرای قانون می کنیم اما باو اجازه بدهیم که نظامنامه بنویسد بنده جداً مخالفم و همین مسئله کافی است که نظامنامه را برخلاف قانون بنویسد

رئیس - آقای حشمتی

حشمتی - مخالفم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - بفرمائید

دادگر - عرض میکنم بنظر بنده بیانات آقای وزیر مالیه کاملاً وافی بمقصود بود. این جا با آقای شیروانی يك تبادل نظر هائی می کردیم که بنده یکی از آنها را بعرض مجلس میرسانم. ما فکر می کردیم آیا این مسئله مورد مباحثه واقع خواهد شد که برای قانون نظامنامه هم باید نوشت یا نه؟ هر دو خیال می کردیم مورد مباحثه نمی شود. این مسئله از مسائل قطعی است که متخصص و مباشرین مالی و وزارت مالیه باید بنشینند

و يك نظامنامه بنویسند. و بطرزی که پیش بینی شده تمام متصدیان که مأمور اجرای این قضیه هستند باید شرکت کنند و تسهیلات را فراهم نمایند. پس این اشکالی ندارد. اما اینکه میفرمائید نظامنامه ها برخلاف قانون است این يك امر علیحده است. اگر نظام نامه نوشته میشود البته برای اجرای قانون است. و بنده تصور میکنم خلاف قانون وقتی است که قانون نظام نامه نداشته باشد

رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- عرض می کنم هر قانونی يك ترتیب اجرائی دارد و مطابق يك نظام نامهای قوانین باید اجرا شوند ولی متأسفانه همان عملیاتی که نظامنامه ها بسر مردم آورده مخالفین را وادار می کند که تذکر بدهند این نظام نامها مخصوصاً آنهایی که در وزارتعالیه نوشته میشود برخلاف قانون و حقیقتاً اسباب زحمت است شما نظام نامه بانک رهنی را ملاحظه بفرمائید. بجای این که اسباب تسهیل امر و راحتی مردم را فراهم کنند بدتر اسباب زحمت شده و يك طوری کرده اند که واقعاً جلو قرض دادن را گرفته اند و مردم را بدبخت کرده اند بطوری که می گویند هزار رحمت بر آن مؤسسه های رهنی رحم اله النباش الاول مثل دیگر: قانون ممیزی را ملاحظه بفرمائید چطور اجرا می شود و ببینید بامردم چه کرده اند حقیقتاً این نظامنامهها معنی قانون را از بین برده و اسباب زحمت مردم شده بطوری که شما خودتان همه روزه شکایت دارید و داد میزنید شما خودتان همیشه می گوئید نظامنامه قانون نیست حقیقتاً هم همینطور است صورت جلسات حاضر است هر يك از آقایان در این جا بنوبت خودشان راجع به نظامنامه حرف زده اند و روی هم رفته این نظامنامهها و متحد المالها دو عامل قوی برای بدبختی این مردم شده اند و راستی هم اینطور است زیرا در يك امری پشت سر هم متحد المال میاید به شکلی که آن مأمور بدبخت اصلاً نمیداند چه کند

بنده نمیگویم که قانون نباید نظامنامه داشته باشد ولی نظامنامه را قانون بکنند. و اگر باین طوری که در این جا نوشته اند تصویب شود هر چه دلشان بخواهد مینویسند آن وقت هر وقت که شما حرف بزنید جواب می دهند بموجب ماده ۱۳ قانون متخصص مالی شما اجازه بوزارتعالیه دادید که این کار را بکنند آن وقت شما هیچ نمیتوانید بگوئید این است که بنده عقیده دارم مسکوت عنه بگذاریم. ما نظامنامه را قبول داریم ولی برای خودشان باشد که اگر خلاف قانون شد يك نمایندگی در مجلس بتواند اظهار کند که فلان ماده از نظامنامه شما برخلاف قانون است زیرا مکرر دیده ایم نظامنامه بامردم چه کرده است

مخبر -- عرض میکنم بارها گاهی صحبت میکنم که چه باید کرد که مجلس شورای ملی قدری سریع تر کار کند و امور باصورت بهتری بگذرد. یکی از چیزهایی که بنظر میرسد این است که از يك فکرو طریقته باید جلوگیری کرد. و آن این است که در هر مورد آقایان معایب را بنظر میآورند ولی طریق حل برایش ذکر نمیکنند. این يك موردی است که اگر ما طرز حرف و پیشنهادات را طوری کنیم که در يك موضوعی که مخالفت میشود هیچ استدلالی را از طرف مخالف قبول نکنیم مگر اینکه طریق عملی هم برای آن کار ارائه و نشان بدهد. اگر این ترتیب عملی شود آنوقت يك قسمت زیادی از اوقات مجلس حفظ خواهد شد البته اینها بطور کلی يك مسائلی است که قابل تنقید هم هست مثلاً نظامنامه تحدید زیاد يك چیزی نیست که ما بتوانیم معایبش را برده پوشی کنیم همینطور سایر نظامنامهها را وقتی ما خوب ملاحظه کنیم میبینیم يك بیوفانی دارد ولی بالاخره راجع بگیری چیست؟ اگر يك نظامنامه بطور غلط اجرا شده این مجوز این نیست که قانون نظامنامه لازم ندارد. اینها عملی نیست که جایگوئیم قانون نظامنامه لازم ندارد. بلکه راه عملی این است

که وقتی يك نماینده با يك چیزی اظهار مخالفت میکند اقلاً خوب است طریق عملی آنرا هم بگوید که بچه وسیله باید فلان کار را جبران کنند بنده معتقدم که یکی از طرق جلوگیری از نظامنامه های غلطی که اجرامیشود این است که از نویسندگان نظامنامه باید استیضاح کرد. تنها طریق جلوگیری همین است که هر وزیری يك نظامنامه بر خلاف قانون نوشت از او استیضاح شود و غیر از این هر طریقی رفتار کنیم غیر عملی خواهد بود مادر اینجا احتیاط کردیم و نخواستیم نوشتن نظامنامه ها را به دماغ يك نفر واگذار کنیم بلکه گفتیم چند نفر از رؤسای ادارات با هم بنشینند و يك نظامنامه جامع بنویسند و برهم ملاحظه کنند و بعد از دیدنش بنویسد اجرا شود ما گفتیم این متخصص که میاوریم برای ارائه طریق اقتصادی در امور مالیه یکی از وظائفشان نوشتن نظامنامه باشد زیرا ما معتقدیم که آنها از نظامنامه های خارجه اطلاع دارند و می دانند چه جور نظامنامه را باید بنویسند که با قانون و عدالت مخالفت نداشته باشد گفتیم پیشنهاد کنند خزانة دار باشد اصلاح کنند مستشار باشد امضا کنند وزیر مالیه باشد اجراء کنند وزارتعالیه باشد این يك مسئله عملی بود که بنظر ما رسید اما اینکه گفته می شود که اصلاً نظامنامه نمی خواهیم این گمان نمیکنم يك مسئله عملی باشد

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- آقای روحی

روحی -- بنده از ابتدائیکه این قانون مطرح است هیچ مذاکره نکرده ام حتی پیشنهاد هم نداده ام ولی در این قسمت چون يك موضوعی است که مبتلابه مملکت است ناچارم نظریات خودم را عرض کنم. در دوره اول با دو (نظرم نیست) قانون برای تحدید زیاد تصویب شد. نظامنامه که برای آن نوشته اند حقیقتاً برخلاف قانون اساسی است زیرا بدون هیچ مجوز قانونی در خانه های مردم میریزند

و مال مردم را غارت میکنند بمحض اینکه حرف هم بزنیم میگویند نظامنامه گفته. و کسی هم استیضاح نمیکنند قانون در اثر نظامنامه خنثی مانده است

الآن خیلی از نظامنامهها مخالف قانون نوشته شده و وقتی هم که حرف بزنیم میگویند نظامنامه. بنده بکلی مخالفم با اینکه دولت حق داشته باشد نظامنامه را بنویسد و اجرا کند زیرا با این ترتیب قطعاً این نظامنامهها با قوانینی که از مجلس میگذرد اصطلاحاً و تماسی پیدا خواهد کرد. بنده عقیده دارم حالا که نظامنامه بمجلس نیاید اقلاً بکمیسسیون مربوط باین امر برود که اقلانظام نامه طوری نوشته شود که اسباب زحمت مردم درآینده فراهم نشود و کمیسسیون مربوط هم همان کمیسسیون قوانین مالیه است و الا اگر بنا شود دولت خودش نظامنامه را بنویسد و خودش هم اجرا کند این را بنده قویاً مخالفم اصلاً بنده عقیده دارم این ماده حذف شود

وزیر مالیه -- مکرر در اینجا يك مذاکره می شود که چندان لزوم ندارد. با این نواقص که در قوانین است خودمان يك کاری نباید بکنیم که مشکلات بیشتر شود يك نظری در اینجا است و آن اینست که گفته میشود اصلاً نوشتن نظامنامه مربوط بتمام امور این اجرا نباید باشد خوب این يك نظری است يك نظر دیگری هم هست که ما آن نظر را داریم آقای شیروانی توضیح دادند. خلاصه این است که ما خواستیم مطلب يك صورت محکم زنی پیدا کند. البته نظام نامه را باید بر طبق مواد قانون انشاء و تنظیم کرده و اگر هر جا کسی يك نظام نامه برخلاف قانون نوشت البته باید تذکر داد. البته وزیر مالیه که مسؤل این امر است اگر نظام نامه خلاف قانون را امضا کند شما می توانید از او مؤاخذة کنید او هم برای احتیاط کار خودش البته باید تمام وسائل کار را فراهم کند که يك ماده خلاف قانون از زیر امضایش بیرون نرود. و البته برای این قبیل مسائل شورای دولتی لازم است و این کار از وظایف او است و باید بشورای عالی دولتی مراجعه شود

از آقایان مذاکره فرمودند البته مقصود معلوم میشود و اگر آقایان نظری دارند ممکن است پیشنهاد بفرمایند ادامه مذاکره منظور آقایان را تأمین نمیکند

رئیس - رای میگیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(عده زیادی برخاستند)

رئیس - اکثریت است. پیشنهادهای قرائت می شود

(پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو بمضمون ذیل

خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده سیزده این قسم نوشته شود ماده ۱۳ - برای اجرای مدلول مواد فوق نظام نامه های لازمه از طرف خزانه دار کل با جلب نظر متخصص مالی و موافقت وزیر مالیه تهیه و پس از تصویب هیئت وزراء لازم الاجراء خواهد بود

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - در اینجا احتیاطی که آقایان نمایندگان دارند برای این است که در تنظیم نظامنامه بیشتر دقت شود. گرچه در خود لایحه قدری احتیاط شده و نوشته اند با جلب نظر متخصص مالی و پیشنهاد خزانه داری وامضای وزیر مالیه. ولی برای مزید احتیاط بنده قسمت هیئت وزراء را هم اضافه کردم البته وقتی که به هیئت وزراء مراجعه شد چون یک عده زیادتری از آقایان در آنجا تشریف دارند و مسئله را ملاحظه میفرمایند اگر اشکالاتی فرضاً در کار باشد در آنجا رفع می شود این نظر از هر جهت مقرون بصواب و بهتر است زیرا از یک طرف کمیسیون های مجلس در کار قوه مجریه دخالتی نکرده اند و از طرف دیگر با مطالعه کامل تر نظامنامه تهیه و تنظیم میشود بنده تصور میکنم خود آقایان هم با این نظر موافقت در این مورد اگر هیئت دولت و آقایان وزراء نظر داشته باشند بعقیده بنده بهتر است و هیچ اشکالی هم بنظر نمی آید

بدیهی است که نظامنامهها در وزارت خانها مختلف است گاهی ممکن است اینها با هم متناقض باشد. پس باید همه اینها در یک مرکزی جمع شود که در این کار تخصص داشته باشند و آن مرکز همان شورای دولتی است ولی ما که فعلاً شورای دولتی نداریم باید سعی کنیم که در مملکت خودمان یک چیزی شبیه بآن پیدا کنیم و در جاهای دیگر هم که شورای دولتی وجود دارد برای همین است که وقتی لوایح قانونی در مملکت پیدا میشود یا نظامنامه هائی باید برای قوانین نوشته شود باید بانجا مراجعه بشود و مورد نظر و مطالعه واقع شود. البته اگر ما هم یک همچو مرکزی داشتیم باین اشکالات بر نمیخوریم ولی حالا شاید پیشنهاد میفرمائید بکمیسیون مربوطه مراجعه شود در صورتیکه این کمیسیون کار زیاد دارد مجلس علنی دارد جلسات دارد و مسلماً باین کار نمیتواند برسد در صورتیکه این یک چیزی است که مبتلا به دولت است و نمیتوان او را معطل کرد پس بهتر این است که آقایان بهمین ترتیبی که در نظر گرفته شده رای بدهند و با این شکل موافقت بفرمایند تا اینکه بعد آن اسباب کاری که در همه جا هست و لازم است تهیه شود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

حق نویس - کافی نیست. بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید

حق نویس - بنده مخالفم یا اینکه آقایان میفرمایند مذاکرات کافی است در صورتیکه هنوز آقایان مقصود مخالفین را نفهمیده اند آقای مخبر خیال کردند که مخالف معتقد است نظامنامه لازم نیست در صورتیکه کسی همچو حرفی نمیزند مخالف میگوید باید اقتدارات مجلس و مشروطیت را حفظ کرد. پس خوب است آقایان اجازه بدهند که در این باب مذاکرات بشود تا مقصود کاملاً روشن شود

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - غرض از مذاکره و تقریر و بیان مقصود است با این ترتیب همان میکنم همینکه چند نفر

(باین شرح خوانده شد)

پیشنهاد می کنم پس از جمله وزیر مالیه جمله ذیل اضافه شود: و تصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس رئیس - آقای حشمتی

حشمتی - وضعیت و سوابقیکه برای نظامنامه در این مملکت موجود بود بطوری است که باندازه سرسوزنی نمیتوان امیدوار بود که یک نظامنامه خوبی نوشته شود. نظامنامه برای قانون طبابت نوشته شد. تمام آقایان کاملاً مطلع هستند که وضعیت آن نظام نامه و همچنین سایر نظام نامه ها در این مملکت تا کنون از چه قرار بوده است. باین ترتیب با تمام بیانات منطقی که آقای وزیر مالیه میفرمایند معیناً تصور میکنم بشود باین ترتیب رأی داد حالا که این طور است بنده معتقدم لا محاله بتصویب کمیسیون قوانین مالیه برسد. از این جهت بنده اینطور پیشنهاد کردم که این نظامنامه با جلب نظر متخصصین مالیه و موافقت وزیر مالیه و تصویب کمیسیون قوانین مالیه نوشته و تنظیم شود و بعد از آن اجرا گردد این ترتیب دیگر نه وقت هیئت وزراء را میگیرد نه وقت مجلس را میگیرد و نه اشکالی دارد و یک مسئله عامی است که بطور اعتدال مقصود بعمل خواهد آمد و الا اگر غیر از این باشد اسباب زحمت مردم قطعاً فراهم خواهد آمد

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - بنده خیلی خوش وقتم از اینکه صحبت نظامنامه که بمیان آمده آقایان افکار خودشان را راجع بعداوتی که با نظامنامه های سابق داشتند فرد فرد بیان فرمودند خود بنده هم یکی از آنها هستم ولی تصدیق میفرمائید که این یک چیزی نیست که ما بیاریم بکمیسیون قوانین مالیه اگر بخواهیم این کار را بکنیم شاید متجاوز از صد نظامنامه باید بکمیسیون قوانین مالیه بیاریم شما کی و چه وقت می توانید این کار را

وزیر مالیه - همان اعتراضی که بنده نسبت به پیشنهاد و مذاکره با آقای روحی کردم عین همان اعتراض و اشکال در اینجا هم وارد است هیئت وزراء کارش زیاد است گرفتاری دارد نمیتواند تمام وقت خودش را که باید صرف مسائل عمومی مملکت شود بمطالعه در نظامنامه مصروف کند در اینجا هیچ فرقی از نقطه نظر وزیر یا وکیل نیست هیئت وزراء هم هزار جور مشغله دارد و نمی تواند در این کار ایفاء وظیفه کند تمام این نظامنامه ها را باید سر تا پا بخواند مطالعه کند بحث کند و پای آنرا امضا نماید در صورتیکه هیئت وزراء با گرفتاری هائی که دارد نمی تواند باین کار بپردازد بنده تصدیق میکنم که اگر در یک وقتی یک نظامنامه خیلی مهمی باشد باید بنظر مجلس و کمیسیون مربوطه باشد چنانچه در مسئله بانک هم قائل شدیم که نظامنامه آن را باید اول هیئت وزراء تصویب کند و بعد بیاورد بکمیسیون قوانین مالیه. البته این یک نظر خوبی است و نسبت به بعضی از نظامنامه های خیلی مهم ممکن است همچو نظری را اعمال کرد ولی بطور کلی نمیتوان گفت که این کار را هیئت وزراء باید بکنند زیرا اولاً نظامنامه های وزارت مالیه یکی دو تا نیست و خیلی زیاد است این کار اشخاص مخصوصی می خواهد که هیچ وظیفه نداشته باشند جز اینکه بنشینند و نظامنامه بنویسند این کار کار هیئت وزراء نیست هیئت وزراء نمیتواند این کار را بکند مگر اینکه یک هیئت دیگری را قائل شویم آن هیئت همان شورای دولتی خواهد بود که خود بنده عرض کردم و باین ترتیب عملی خواهد شد برای اینکار شورای دولتی لازم است. و مادام که او در مملکت نیست نمیشود بنظر هیئت وزراء واگذار کرد

رئیس - رای میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل

توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر

بکنید. مدتها این کار وقت لازم دارد. اگر بنا شود ما باین امر بپردازیم تمام لوائح مجلسی و کارهای خودمان را باید کنار بگذاریم و کارمان را منحصر به گذراندن نظامنامه بکنیم. پس خوب است با همین ترتیب موافقت بفرمائید. این لایحه مطرح است. با توافق نظر شما باعماد شما، دولت لایحه اش را آورده و وقتی که شما بیک دولتی اعتماد دارید او خودش تمام مسائلی را امرعات خواهد کرد. دیگر هی پیشنهاد هی پیشنهاد مورد ندارد رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(معدودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای یاسائی

(مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده سه اضافه شود (هرگونه نظامنامه که برای اجرای قانون مصوب مجلس شورای ملی نباشد رسمیت نداشته و قابل اجرا نیست) رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض میشود وقتی که ما قانون جزا را وضع میکردیم رفقا نظرشان هست که میگفتیم اگر دولت بر خلاف قانون یک نظامنامه نوشت علاوه بر انفسال ابدی مجازاتش هم فلان است. یک موضوعاتی اصلاً قانون ندارد مثل معادن جنکلی، خالجات انتقالی و خیلی چیزهای دیگر برای اینها رفته اند و یک نظامنامه هائی نوشته اند چون قانون ندارد نمیتوانیم بگوئیم که این نظام نامها برخلاف قانون است زیرا چنانچه عرض کردم اصلاً قانون ندارد پیشنهاد بنده مشعر بر این است که اساساً نظامنامهها جای قانون را نمیگیرند. بالاخره اگر نظامنامه نوشته میشود چون برای اجرای قوانین مجلس است باید در همان حدود باشد و اگر برخلاف و خارج از حدود قانون باشد رسمیت ندارد. از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم و اگر تصویب شود خوب است و مسلم خواهد

شد که نظامنامه جای قانون را هیچوقت نخواهد گرفت مرتضی قلیخان بیات - يك دفعه دیگر بفرمائید قرائت شود (مجدداً مضمون سابق خوانده شد)

نخب - عرض می کنم اگر درست ملاحظه کنیم در اینجا دو نظر است. این پیشنهاد اصلاً ضرر دارد و نقض غرض است. ممکن است يك نظامنامه باشد که برای اجرای قانون نوشته باشند ولی خوب نباشد. در اینجا ممکن بود مقصود خودشان را بیک نحو دیگری تأمین کنند. در صورتیکه بنده خدمتشان عرض کردم اگر نوشته بودند (برای اجرای مدلول مواد فوق نظامنامه در حدود قوانین...) بنده ممکن بود قبول کنم و نظریه ایشان را هم تأمین میکرد ولی با این طرز فعلی بنده نمی توانم قبول کنم.

رئیس - رای گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم این ماده حذف شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - عرض میکنم ما قانون می نویسیم و وزرای مسؤل داریم. در اینجا پس از اینکه قانون تصویب شد توسط مقام ریاست به هیئت وزراء ابلاغ میشود برای اینکه قانون را بموقع اجرا بگذارند. حالا بنده نمیخواهم چیزی عرض کنم. گفت بمیر و بدم. نظام نامه می خواهید بنویسید بنده کاری ندارم ولی بنده نمی توانم راضی شوم که به طور مساعده از حالا رای بدهم نظامنامه هائی که می نویسند مثل قانون لازم الاجرا باشد. بنده وزراء را مسؤل اجرا میدانم. وزارتعالیه مأمور اجرای قانون است. هرکاری

می کنید بکنید ولی بهتر این است که ما اصلاً ذکر می از این مطلب نکنیم تا در وقت اجرا اگر مواد نظامنامه با قانون تخلف کرد من بتوانم در اینجا در مقام سؤال و استیضاح برآیم، والا اگر ما در اینجا رأی بدهیم که نظامنامه لازم الاجرا است. با این بیاناتی که در اینجا میشود بهمین محظوری که تاکنون گرفتار بوده ایم باز دچار خواهیم بود و اگر داد و فریاد هم بکنیم فائده نخواهد داشت، مثلاً ملاحظه بفرمائید در نظامنامه میگویند هر کس عوایدی برای دولت پیدا کند صدبست و پنجمش را بخودش میدهند، خوب خانه بنده خزانه دولت، نصفش را بخودم بدهید میگویند تا اول میزان هر کسی قسط دوم مالیات خودش را نداد هر روزی که عقب میفتد روزی دو تومان باید بدهد، بینی و بین الله مردم ایران چون خیلی پولشان زیاد است باید این قبیل جرائم را هم بدهند! مأمورین مالیه باین ترتیب وقتی که در ولایات و قصبات و دهات وارد خانهای مردم بیچاره میشوند معلوم است که چطور معامله میکنند هی نظامنامه پشت سر هم می نویسند و اسباب زحمت و ابتلاء مردم را فراهم میآورند پس ما باید این عنوان را از این جا برداریم و مسکوت بگذاریم تا به بینیم چطور نظامنامه را می نویسند، گفت دور از شتر بخواب خواب آشفته مبین. مساماً وقتی که ما این اختیار را بوزیر ندادیم حتی الامکان سعی میکنند که نظامنامه های سهلی وضع کنند و در مورد اجرا کمتر مزاحمت مردم وارد آورد ولی وقتی که این اختیار را دادیم هرکاری دلش می خواهد میکند. بنده چون داد و فریاد مردم را شنیده ام این پیشنهاد را کردم دیگر اختیار با اکثریت است. رئیس - پیشنهاد دیگری راجع بحذف ماده رسیده است قرائت میشود.

(باین نهج قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم این ماده حذف شود روحی

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده عرض میکنم این ماده زائد است زیرا ما اگر باین ماده رای بدهیم مثل این است که تمام نظامنامه های غلط را تصویب کرده باشیم. و نسبت باشکالانی که پیش خواهد آمد ساکت باشیم و بآنها حق داده باشیم آقای دکتر لقمان يك چیزی فرمودند که حقیقه خیلی جای تعجب است گفتند برای آن قانون طباطبی که چند روز قبل اصلاح کردیم و از تصویب گذراندیم يك نظامنامه نوشته اند که اسباب زحمت است نوشته اند وزارت معارف از هر طبیبی که باید امتحان بدهد بیست تومان حق میگیرد و اگر امتحانش رد شد آن پول را پس میدهد ملاحظه بفرمائید این حقیقتاً يك نظامنامه غلطی است. خوب اگر این نظامنامه به کمیسیون معارف آمده بود ممکن بود بگذارید يك همچو نظامنامه نوشته شود. پس بنده عقیده دارم که این ماده باید حذف شود و هر نظامنامه به کمیسیون مربوطه خودش ارجاع شود تا با کمال دقت و مطالعه نوشته شده. اما اینکه میفرمایند نظامنامه های وزارت مالیه بقدری زیاد است که کمیسیون مربوطه نمی تواند این کار را بکند بنده تصور میکنم آن نظامنامه ها هم از دو سه تا تجاوز کنند و در ظرف دو سه روز کمیسیون قوانین مالیه موفق خواهد شد که این نظامنامه را بگذراند پس محض رضای خدا بیائید و يك فکری کنید که اسباب رفاه مردم باشد نه زحمت.

یکی از نمایندگان - پس چرا تقاضای حذف کرده اید روحی - آقا توجه بفرمائید. قانون اساسی خانه و جان و مال مردم را مصون قرار داده معذک در ولایات مأمورین مالیه توی خانهای مردم میریزند کاسه میبرند، کوزه میشکنند، آثابه می چابند، غارت میکنند تا يك و کیلی هم بوزارت مالیه حرف میزند فوری جواب میدهند نظامنامه این حق را داده پس حالا که اینطور است بیائید مخصوصاً آقایان و کلاء ولایات نفقد کنید و يك کاری بکنید که بیش از این موکلینتان دچار و

گرفتار بدبختی نباشند.

رئیس -- آقای بیات

بیات -- عرضی ندارم.

رئیس -- رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این

جلسه را ختم میکنیم
بعضی از نمایندگان -- صحیح است

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

پیشنهاد. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه شد. مراجعہ میشود به کمیسیون

www.iran-archive.com